خراسان بزرگ: سال ششم، شماره (۲۱)، زمستان ۱۳۹۴
Quarterly bulletin of Greater Khorasan: Vol.6, No.21, winter 2016

تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های محدوده تاریخی خراسان بزرگ در استان خراسان جنوبی

حمیدرضا قربانی[۱]
سارا صادقی[۲]
حسن هاشمی زرج آباد[۳]

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۳/۰۵
تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۴/۰۳
شماره صفحات: ۸۲-۵۷

چکیده

هنر صخره‌ای بزرگترین پیکرهٔ شواهدی است که ما در ریشه‌های هنری، شناختی و فرهنگی انسان‌ها در دست داریم. خوشبختانه مطالعات باستان‌شناختی در زمینه این هنر در ایران به تدریج رو به انسجام است و منجر به شناسایی ابعاد جدیدی از فرهنگ و هنر پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی در ایران شده است. از همین‌رو، مطالعه هنر صخره‌ای در شرق ایران می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در باب شکل‌گیری، تحول و کارکرد هنر صخره‌ای در اختیار پژوهشگران هر سه دوره مذکور و متخصصان تاریخ هنر قرار دهد. در تیرماه ۱۳۹۲ در قالب یک طرح پژوهشی گسترده، سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی، توسط تیمی به سرپرستی حمیدرضا قربانی از دانشگاه بیرجند، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. این پژوهش به معرفی و توصیف اجمالی کنده‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی خواهد پرداخت. مقاله حاضر با روش توصیفی- تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات به دو شیوه میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش شامل نقوشی بالغ بر ۷۴۹ نقش و نگاره که به سبک پتروگلیف (کوبشی) و دربردارنده نقوشی اعم از انسانی، حیوانی، گیاهی، نمادین، ابزار، اجرام و کتیبه را شامل می‌شود. نقوش موجود در این بررسی مربوط به هر سه دوره زمانیِ پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی است و در نهایت برخی از یافته‌ها با نمونه‌های موجود در همان حوزه مورد بررسی یعنی شرق ایران هم‌چون سنگ‌نگاره‌های جُربت و دشت توس (شمال خراسان) و لاخِ مزار (جنوب خراسان) قابل مقایسه است.

کلیدواژه‌ها: هنر صخره‌ای، نقش مایه حیوانی، خراسان جنوبی.

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشکده هنر دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول) ghorbani.hr@birjand.ac.ir
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشکده هنر دانشگاه بیرجند
۳. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشکده هنر دانشگاه بیرجند

مقدمه

هنر صخره‌ای را مجموعه‌ای از نقاشی‌ها و طرح‌ها بر سطوح صخره‌ها و سنگ‌ها دانسته‌اند. از سال ۱۹۷۹ بر تعداد نقاطی که ارائه‌گر هنر صخره‌ای بوده‌اند، به شکل فزاینده‌ای افزوده شده و در میراث مشترک جهانی این هنر جایگاه مهمی یافته است. نخستین مراکز هنر صخره‌ای را می‌توان در طرح‌های صخره‌ای و الکامونیکا در ایتالیا و همچنین نقاطی در الجزایر، آرژانتین، اسپانیا و سوئد مشاهده کرد. این هنر در شیلی، کلمبیا، گوانمالا، نیجر، پرو و نقاط دیگر (هندوستان و هند مرکزی) نیز دیده شده است (آناتی، ۱۳۸۳: ۱۱۳). به نظر می‌رسد که صخره اولین تکیه‌گاه استواری است که انسان‌ها برای نقش‌کردن آثار هنری خود انتخاب کردند. به‌هرحال نمونه‌هایی از هنر انسان‌های اولیه که به دست ما رسیده است، روی صخره‌ها بوده است. این هنر نوعاً محصول جوامع پیش از اختراع خط است که با ظهور انسان هوشمند شروع شد و وقتی جوامعی که به این نوع هنر اشتغال داشتند به شکل "کتبی" ارتباطات دست یافتند، از میان رفت (آناتی، ۱۳۷۷: ۱۰). نیاکان ما باورها، ایده‌ها و تقدس‌های خود را در زیستگاه‌ها و بعضاً روی ظروف و لوازم زندگی خود (سفال‌ها، سنگ‌نگاره‌ها، سنجاق‌های سینه) تصویر و حک می‌کرده‌اند. این نقوش و تصاویر بیان‌کنندهٔ پیام‌های گوناگونی هستند که حکاکان و نقاشان، هنرمندانه ایده‌پردازی کرده‌اند. با توجه به قدمت نقوش صخره‌ای که طیف گسترده‌ای از دورهٔ پارینه‌سنگی تا دورهٔ معاصر را در برمی‌گیرد، برای روشن کردن محتوا، معنا و قدمت هر یک، آن‌ها را از جنبه‌های مختلف نظیر باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، هنر، نشانه‌شناسی، زیست‌شناسی، تاریخ، جامعه‌شناسی، نمادشناسی، اسطوره، تاریخ فرهنگ، تاریخ زبان و هنرهای تاریخی و تزیینی، مورد پژوهش قرار می‌دهند (ناصری‌فرد، ۱۳۸۶: ۱۶). از مطالعات باستان‌شناختی و باستان‌شناسیِ هنر صخره‌ای به‌ویژه پژوهش‌های اخیر باستان‌شناسان ایرانی چنین استنباط می‌شود که ایران‌زمین یکی از گنجینه‌های بسیار غنیِ هنر و مهارت صخره‌نگاری در جهان است. این صخره‌نگاره‌ها هم در مناطق کوهستانی شرق ایران، هم در مرکزی، هم جنوب، هم غرب، شناسایی، مطالعه و مشاهده شده و در پاره‌ای موارد مستندسازی آن‌ها نیز انجام شده است (ملاصالحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۶ و ۳۹). در این میان استان خراسان جنوبی در شرق ایران به دلیل بارغنی فرهنگی، همانند سایر بخش‌های فرهنگی و کشور؛ دارای آثار و شواهد فرهنگی فراوانی است که همواره مورد توجه محققان قرار گرفته است. که در این راستا به مهم‌ترین داده فرهنگی برجای مانده در این استان یعنی سنگ‌نگاره‌ها پرداخته شده است. چراکه این نقوش، می‌تواند اطلاعاتی ارزشمند دربارهٔ تاریخ و مردم‌شناسی در اختیار ما قرار دهند و از همه مهم‌تر در بررسی روند تطوّر شیوه‌های هنری فن و مهارت نگارگری، انگیزه‌ها و ایده‌های نگارگر از آفرینش نقوش و در نهایت دست‌یابی به تفاسیر نزدیک به واقعیت از دوران‌های قبل از تاریخ تا دوران حاضر پی برد.

نگاهی اجمالی به صخره نگاره‌های ایران و دیگر جهان

صخره‌نگاره‌ها، هنر صخره‌ای و یا به مفهوم رایج و متداول در میان باستان‌شناسان، "باستان‌شناسی هنر صخره‌ای[1]" از جمله شواهد فوق‌العاده در حوزهٔ مطالعات باستاشناختی و رشته‌ها و دانش‌های خویشاوند دیگر است. این گنجینه‌های عظیم اطلاعات متنوع به هر میزان که گسترده‌تر و شناسایی، کشف و مطالعه شده‌اند، اطلاعات و آگاهی ما از چگونگی فرآیند فرهنگ و حیات اجتماعی اعم از نوع اقتصاد و معیشت و شیوه‌های دادوستد و نظام‌های ارزشی و باورهای جمعیت‌های انسانی در گذشته غنی‌تر، ژرف‌تر و مطمئن‌تر شده است. زادگاه، خواستگاه و زیست‌گاه کهن‌تر هنر صخره‌نگاری بنا به شواهد و پژوهش‌های باستان‌شناختیِ دوران متأخر پیش از تاریخ، نخست در قارهٔ اروپا به ویژه غارهای مناطق مرزی میان فرانسه و اسپانیا و سپس سرزمین‌های دیگر بوده است. در این میان شبه قاره هند نیز جایگاه خاص خود را به مثابه یکی از خاستگاه‌های کهن‌تر هنر صخره‌ای دارد.

هنر و مهارت کنده و صخره‌نگاری در سراسر جهان علی‌رغم تنوع و تلون محسوس و سنت و سبک دراز آهنگ‌شان، از نوعی مشابهت و وحدت ارگانیک (پیکروار)، هم به لحاظ شکل (فرم) یعنی ریخت‌شناسی، هم محتوا و معنا برخوردار هستند (ملاصالحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۵). کهن‌ترین هنر صخره‌ای شناخته‌شده، در هنر و حدود ۲۰ یا ۳۰ هزار سال پیش به وجود آمده است. این اثر شامل نشانه‌های فنجانی و خطوط منحنی است که در صخره‌های یک غار سنگ ریگی کنده شده‌اند و همزمان علامت‌های خطی ساده بر تعداد زیادی اشیا منقول (استخوان، دندان، عاج و سنگ) در زیستگاه‌های انسان نخستین، کشف شده‌اند. نخست در اروپای مرکزی و شرقی، شکل‌ها و الگوهای مشخص همچون زیگزاگ، صلیب، کمان، خطوط موازی و مواردی از این دست پدیدار شده‌اند (بدناریک، ۱۳۷۷: ۴).

هنر صخره‌ای در آفریقا نیز در تمامی دوران پیش از تاریخ به علت به علت ارتباط آن با هنر صخره‌ای اروپا جالب توجه است. این هنر از نقطه‌ای که اکنون صحرا نام گرفته تا سودان و از آتلانتیک تا صحرای لیجا و دره نیل و بخش‌هایی از مراکش و حتی جزایر قناری گسترده بوده است. هنر صخره‌ای آمریکا نیز سابقه‌ای قابل مقایسه با هنر باستان دارد. در کوه‌های ونزوئلا، جنوبی شرقی و جنوبی غربی آمریکا، آریزونا و رشته‌های آرژانتین و غیره، نقاشی‌های صخره‌ای از جمله در پاتاگونیا بین رودخانه‌های دسیدو و سانتاکروز به دست آمده است. نقاشی‌های

---

1. The Archeaology of Rock Art

پاتاگونی شامل تصاویر انسان و حیوان با صحنه‌هایی از شکار و به ویژه شکار گواناکوس است. صحنه‌هایی از رقص و احتمالاً با ماسک در منطقه رودخانه پینتوراس به تعداد فراوانی وجود دارند (آناتی، ۱۳۸۳: ۱۱۳). میلیون‌ها جایگاه هنر صخره‌ای در سراسر جهان شاهدی بر خلاقیت بشر در دورانی است که بیش از ده هزاره به اعماق ماقبلِ تاریخ باز می‌گردد (ویالو، ۱۳۷۷: ۱۷). جالب‌توجه‌ترین آثار هنر پارینه‌سنگی تصویرهایی از جانوران است که بر سطح دیواره‌های غارها نقر یا نقاشی و یا پیکرتراشی شده سات، و گاو وحشی زخم‌خورده، که در غار "آلتامیرا" واقع در شمال اسپانیا کشف شده یکی از نمونه‌های شگرف وتماشایی آن است. شمار زیاد داده‌های فرهنگی بدست‌آمده از محوطه‌های باستانی خصوصاً (سنگ‌نگاره‌ها و هنر صخره‌ایی) که حاوی نقوش جانوری است در طول قرن‌های متمادی، گویای اهمیت این نقش‌مایه در میان ساکنین این حوزه فرهنگی بوده که ارتباطی مستقیم با پوشش گیاهی و حوزه اقلیمی دارد. پراکندگی هنر صخره‌ای در ایران از شمال تا جنوب و از خاور به باختر را دربردارد.گونه‌گونی اقلیمی ایران و گسترهٔ دامنه‌های فرهنگی منطبق بر این اقلیم چندگانه باعث می‌شود تا تقسیم‌بندی منطقه‌ای هنر صخره‌ای ایران در قالب مرزهای موجود قرار نگیرد و از این‌رو ۷ منطقهٔ اصلی از نظر ویژگی‌های اقلیمی در نظر گرفته شده که با یکدیگر همپوشانی دارد. نمونه‌هایی از جایگاه هنر صخره‌ای بر اساس این ۷ منطقهٔ اصلی در ایران به‌شرح زیر است:

۱. شمال‌شرقی و شمال مرکزی: تهران، کاشان، سمنان و خراسان شمالی.

۲. شرق: خراسان جنوبی، کرمان، سیستان و بلوچستان و یزد.

۳. مرکز و شمال مرکزی: قم، مرکزی، همدان، اصفهان، کرمان و یزد.

۴. غرب و شمال غرب: بخش میانی زاگرس (کردستان، کرمانشاه و لرستان) و آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل.

۵. جنوب غرب: ایلام، خوزستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد.

۶. جنوب و جنوب غربی: فارس، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، هرمزگان و سواحل جنوبی.

۷. حاشیهٔ دریای مازندران: گیلان، مازندران و گلستان (ملاصالحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۹). در این میان استان خراسان جنوبی در شرقی ایران به‌عنوان دومین جایگاه هنر صخره‌ای جزء یکی از ۷ منطقهٔ اصلی شناخته‌شده در ایران است که در این فصل به موقعیت جغرافیایی این استان که حاصل مطالعات کتابخانه‌ای و توصیف نقوش که حاصل کار بررسی میدانی بوده است، پرداخته شده است (نقشه ۱).

تکنیک کنده نگاره‌ها

از حدود پنجاه سال پیش توجه به کارهای تجربی و بهره‌گیری از روش‌های جدید این امکان را فراهم ساخته است که بتوانیم تکنیک‌های به کار رفته توسط هنرمندان آن زمان را بهتر و بیشتر بشناسیم. مواد اصلی که مورد استفاده انسان‌های پیش از تاریخ قرار گرفته‌اند دارای تنوع قابل توجهی هستند. این مواد هم به صورت طبیعی و هم به صورت تغییر یافته مورد استفاده قرار گرفته‌اند (رفیع‌فر، ۱۳۸۱: ۲۷۵).

نقوش و نگاره‌های ایجاد شده بر صخره‌ها و سنگ‌ها را در یک تقسیم‌بندی کلی به سه دسته اصلی می‌توان تقسیم کرد:

۱. پتروگلیف یا کنده‌نگاره به معنی ایجاد تغییر در سنگ شامل بریدن، کنده‌گری، حک و نقر، شکاف دادن‌ها، سایش‌ها و ساییدن، خراشیدن یا خرد کردن نمادین سنگ، تراشیدن و سوزنی‌ها، سیاه و غیره.

۲. پیکتوگراف یا رنگین‌نگاره به معنی افزودن هر نوع رنگ یا ماده به سنگ شامل طراحی و نقاشی با رنگ، ذغال، دوده و غیره است و شامل نقاشی، طراحی، اندود رنگ، استنسیل یا گرده‌برداری، چاپ و نگاره‌های موم‌اندود است.

۳. ژئوگلیف شامل برجستگی‌ها و پدیده‌های طبیعی زمین که به نحوی به دست انسان تغییر یافته و مورد استفاده برداشت‌های ذهنی او قرارگرفته است؛ اعم از هنر یا آیین و یا قوانین و آداب اجتماعی و گروهی (ملاصالحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۰).

دو شکل پایه‌ای از هنر صخره‌ای وجود دارد که دو مورد نخست را شامل می‌شود (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۱۳۱). بر اساس مطالعات صورت گرفته در ایران، تاکنون تنها دو مورد اول شناسایی شده است. هر چند که به‌طور ترکیبی می‌توان گونه ژئوگلیف را نیز مشاهده کرد. به عنوان مثال در برخی جایگاه‌ها انتخاب بستر سنگی یا صخره‌ای به‌طور ویژه و با در نظر گرفتن شرایط طبیعی محل صورت گرفته است که شاید بتوان چنین نمونه‌هایی را در قالب ژئوگلیف نیز مطرح نمود. دو گروه نخست یعنی رنگین نگاره‌ها و کنده‌نگاره‌ها و به ویژه کنده‌نگاره‌ها در ایران نمونه‌های بیشتری را شامل می‌شود. می‌توان از میان گروه نخست یعنی رنگین‌نگاره‌ها، تنها به جایگاه‌های انگشت‌شماری که تاکنون شناخته شده‌اند اشاره کرد (کریمی، ۱۳۸۶: ۲۱). شناخته‌ترین رنگین‌نگاره‌ها در ایران در منطقه کوهدشت لرستان، پناهگاه‌های سنگی هومیان و میرملاس و غار دوشه قرار دارد و هم‌چنین در منطقه اِشکفت آهو؛ در شهرستان بَستَک (هرمزگان)، که علی اسدی در مقاله‌ی خود مجموع نقوش را شامل شکارچی، حیوانی، نقوش دست و علائم نامفهوم دیگری ذکر می‌کند را می‌توان نام برد (اسدی، ۱۳۸۶: ۶۶). در جنوب ایران (منطقه فارس) توسط سجاد علی‌بیگی و لیلا فاضل دو سایت (تنگ تادوان و تنگ تیهویی) کشف شد که نقاشی‌هایی به‌رنگ قرمز که نشان‌دهنده به دام انداختن حیواناتی توسط دو شکارچی، بر دیواره پناهگاه نقش شده است و در غار تنگ تیهویی در بلندای شکاف کوهستانی اقبر و بر بدنه غاری طبیعی- تاریخی رنگین‌نگاره‌هایی به رنگ قرمز نقش شده که دارای نقوش گیاهی، هندسی، نقطه‌مانند و نقوشی با شکل‌های نامعلوم است (Fazel&Alibaigi, 2012:187).

از جمله دیگر نقاط می‌توان به جایگاه دیگر در روستای صخره‌ای میمند

و نمونه‌هایی در کردستان اشاره نمود (کریمی، ۱۳۸۶: ۲۱). به‌طور کلی می‌توان گفت که دانش ما از هنر صخره‌ای ایران و به‌خصوص در زمینه رنگین‌نگاره‌های محدود و پراکنده است. دسته دوم از نگاره‌های صخره-ای را کنده‌نگاره‌ها در برمی‌گیرند. نمونه‌های مکشوفه از خراسان جنوبی از این دسته‌اند. در بررسی‌های باستان‌شناسی سال‌های اخیر خراسان جنوبی، نقوش صخره‌ای زیادی شناسایی گردیده است؛ زیرساخت‌های فرهنگی و تاریخی این استان چنان بکر و غنی است که به محقّقین اجازه می‌دهد در هر زمینه‌ای خصوصاً از رویکرد باستان‌شناسی به بررسی و مطالعه پرداخته و نتایج ارزشمندی به دست آورند. علاوه بر دیگر داده‌های باستان‌شناسی اعم از (سفال، بناها و غیره)، نشانه‌های دیگری هم‌چون نقش و نگارهایی که بر روی صخره‌ها برجای مانده از منظر باستان‌شناسی و تطابق و تعامل فرهنگی – هنری اقوام باستانی ساکن در این محوطه‌ها با مناطق مجاورش، قابل تأمل و درخور توجه ویژه‌ای است که بر لزوم و اهمیت جایگاه باستان‌شناسی هنر صخره‌ای در شرق ایران اشاره دارد.

پیشینهٔ مطالعاتی

پیشینه و آغاز پژوهش‌های نقوش صخره‌ای ایران توسط پژوهش-گران ایتالیایی صورت گرفته است. در سال ۱۹۵۸ زمانی که گروهی از زمین‌شناسان ایتالیایی جهت کشف و استخراج مواد معدنی در منطقه‌ی بلوچستان مشغول به‌کار بودند، تعدادی نقوش صخره‌ای در منطقه گزو کشف کردند (Dessau: 1960). این کشفیات را می‌توان نخستین پژوهش در مورد نقوش صخره‌ای در ایران دانست (بیک‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۲). در سال ۱۹۶۹ میلادی، بورنی در گزارش مقدماتی‌اش، کار خود را از اولین گزارش‌های مقدماتی دربارهٔ نقوش صخره‌ای ایران می‌داند (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۴-۱۶). صراف و بشاش در سال ۱۳۶۶ نقوش صخره‌ای کمرنبشتهٔ تویسرکان را مورد بررسی و مطالعه قرار دادند و نقوش آن را شامل نقوش حیوانی، انسانی، هندسی و غیره معرفی کردند (صراف و بشاش، ۱۳۶۶: ۶). در سال ۱۳۷۷ مجموعه نقوش منطقهٔ تیمره (بخش‌هایی از استان قم و مرکزی در مرکز کشور) که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده به صورت کتابی جامع و کامل منتشر گردیده است (فرهادی، ۱۳۷۷: ۶۵-۶۶). در سال ۱۳۸۴ رفیع‌فر در قالب کتابی با عنوان سنگ‌نگاره‌های ارسباران به‌صورت جامع‌تر به تشریح نقوش صخره‌ای هوراند (لقان) کلیبر پرداخت (رفیع‌فر، ۱۳۸۴). بیگلری و همکارانش گزارش بررسی نقوش غار چشمه سهراب (مرآوزا) دینور – کرمانشاه را در سال ۱۳۸۶ منتشر کردند و دیرینگی این آثار را با در نظرگرفتن تمام مدارک موجود در غار با قریب احتمال به دوران سلوکی- اشکانی یا ساسانی نسبت دادند (بیگلری و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۳). پژوهش‌های شاخص صورت گرفته در استان خراسان جنوبی برای اولین بار در سال ۱۳۳۰ مطالعات باستان‌شناسی پیرامون سنگ‌نگاره‌ها و قرائت کتیبه‌های اشکانی کال‌جنگال توسط جمال رضایی و صادق کیا گام‌هایی برداشته شد (رضایی و کیا، ۱۳۳۰). سنگ‌نگاره‌های لاخ‌مزارِ بیرجند در سال ۱۳۷۱ مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت که در مجموع نقوش و کتیبه‌های شناسایی شده ۳۰۷ مورد را در برمی‌گیرد (لباف خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳: ۴). در تابستان ۱۳۹۲، برای اولین بار جامع‌ترین طرح پژوهشی روشمند درخصوص مطالعات باستان‌شناسی-انسان‌شناسی سنگ‌نگاره‌های خراسان جنوبی توسط دکتر حمیدرضا قربانی از دانشگاه بیرجند انجام شد (قربانی ۱۳۹۲).در این پژوهش سعی شده است که ۲۰ محوطه از سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی مورد بررسی، شناسایی و معرفی قرار گیرد.

روش پژوهش

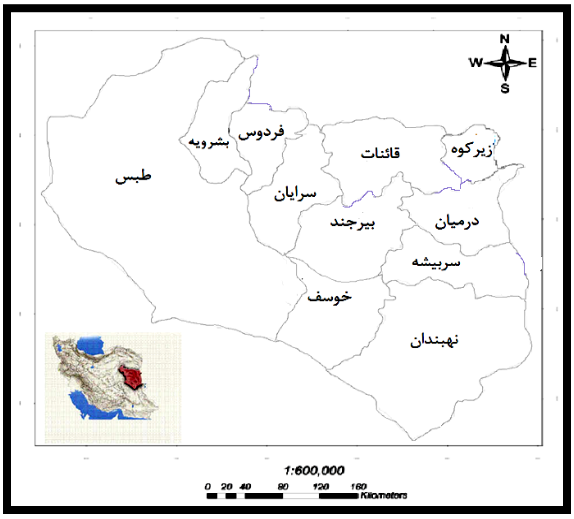
این پژوهش در پی آنست که در مرحله‌ی اول کار مطالعات میدانی را ابتدا به صورت اطلاعات موجود بر روی نقوش را استخراج کند این اطلاعات شامل نوع نقوش، تکنیک به کار رفته، گونه‌شناسی، سبک‌شناسی نقوش، استفاده از اطلاعات بومیان محلی، استفاده از آرشیو اداری سازمان میراث فرهنگی، استفاده از نقشه‌های رقومی، شناسایی موقعیت جغرافیایی سنگ‌نگاره با استفاده از دستگاه GPS، عکسبرداری از جهات مختلف و به‌صورت کلی از محوطه، ثبت و ضبط نقوش، فرم‌های تحت عنوان «نقوش صخره‌ای» طراحی شده و در همان محل برای ثبت اطلاعات و در پایان انتقال داده‌ها به رایانه و انجام کارهای آماری و گرافیکی صورت گرفت. در مرحله‌ی دوم به مقایسه‌ی نقش‌ها در ۲۰ سایت مورد بررسی پرداخته شده است. مرحله سوم تحلیل عوامل موثر بر شکل‌گیری نقوش در مناطق خاص که در این زمینه وارد مقوله مردم‌شناسی و مردم‌نگاری شده و در مرحله چهارم گاهنگاری پیشنهادی برای هر یک از محوطه‌ها ارائه شده است و در این زمینه از مطالعات کتابخانه‌ای شامل بررسی اسناد، متون تاریخی و پیشینه مطالعات انجام شده نیز استفاده شده است.

موقعیت جغرافیایی، زیست محیطی و پیشینه تاریخی محدوده مورد پژوهش

استان خراسان جنوبی با وسعتی معادل ۹۵۳۸۸ کیلومتر مربع، بین مدار جغرافیایی ′۳۱ °۳۰ تا ′۵۳ °۳۴ دقیقه عرض شمالی و ′۳ °۵۷ تا ′۵۷ °۶۰ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است (نقشه ۱). در فرهنگ معین ذیل کلمه قُهِستان آمده: (معرب کهستان = کوهستان) نام قدیم ولایتی در خراسان جنوبی، بین یزد و خراسان که در حقیقت مرکب از واحه‌های چندی در داخل کویر است و جندق و بیابانک در شمال آن واقع شده». نام ناحیه مذکور در تمام منابع

نخستین فارسی و عربی، به شکل قُهِستان ثبت شده است[1] (نقشه ۱). بر اساس کتیبه‌های هخامنشی و نوشته‌های برخی از مورخان یونانی، «قُهِستان» خاستگاه و زیستگاه یکی از اقوام ایرانی به نام «ساگارت» بود و بخشی از چهاردهمین ساتراپ هخامنشی به شمار می‌آمد. «هرودت» مورخ بزرگ قرن پنجم ق.م به این قوم اشاره می کند و درباره آن ها می نویسد: آن‌ها در ردیف اقوام شرقی هستند و از سکنه ساتراپ چهاردهم هخامنشیان به شمار می روند. به جز نوشته‌های کالِ جنگال در زمان اشکانیان، در دوران ساسانیان قهستان از ایالت آباد و معتبر بود هرچند گاهی فرمانروایی این منطقه را«هِپتالیان» به عهده داشتند (زعفرانلو و سروش، ۱۳۹۲: ۳). شاهد و داده باستان‌شناسی در این مهم سنگ‌نگاره لاخ‌مزار بیرجند است. این استان به دلیل بارغنی فرهنگی، همانند سایر بخش‌های فرهنگی و کشور؛ دارای آثار و شواهد فرهنگی فراوانی است که همواره مورد توجه محققان قرار گرفته‌اند.

اقلیم استان خراسان جنوبی در اکثر بخش‌ها، خشک و بیابانی است و در مجموع خصوصیات اقلیمی استان در اثر تناوب توده هوای پرفشار جنب حاره‌ای در تابستان و توده‌های هوای قطبی و جریان‌های مدیترانه‌ای در زمستان، خطوط اصلی جریانات اتمسفری آن را تعیین می‌کند. به گونه‌ای که این ساختار اقلیمی باعث شکل‌گیری پندارهای اقلیمی در مدت زمان طولانی شده است (حسینی، ۱۳۹۰: ۲). بر اساس نقشه ۱:۲۵۰۰۰۰ سازمان زمین‌شناسی ایران گسترش سنگ‌های آذرین با توده‌های نفوذی در نقاط مختلف استان خراسان جنوبی بارز است. براساس نقشه‌های مذکور دوران‌های مختلف زمین‌شناسی از جمله مزوزوئیک، سنوزوئیک و کواترنر نمایان است (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، مدیریت اطلاعات جغرافیایی، ۱۳۸۸: ۶– ۱۲). مهم‌ترین رشته‌کوه منطقه که دارای جهت شمال غربی– جنوب شرقی می‌باشد، کوه‌های باقران در جنوب بیرجند است که از ناحیه طبس گلشن آغاز و در نهبندان خاتمه می‌یابد. علاوه بر این رشته‌کوه مؤمِن‌آباد در شرق و شمال بیرجند قرار دارد که دنباله رشته‌کوه فردوس است و در کناره جنوبی روستای قدیمی دُرُح (دره) در شرق پایان می‌پذیرد. این کوه‌ها باعث ریزش باران و به‌وجود آمدن رودخانه‌های فصلی در دره‌ها و به وجود آمدن مراکز تمدنی در کوهپایه‌ها شده‌اند وجود قنات‌ها باعث به‌وجود آمدن کشاورزی در منطقه شده و باید بر این نکته تأکید کرد که بیشترین تکیه مردم قُهِستان به کشاورزی و دامداری بوده است (فرجامی، ۱۳۸۹: ۹۹– ۱۰۰).



نقشه ۱. موقعیت استان خراسان جنوبی بر روی نقشه ایران (مأخذ؛ نگارندگان، ۱۳۹۳).

۱. قُهِستان یک واژه و اصطلاح کاملاً فارسی و ایرانی است و در قدیمی‌ترین منابع فارسی از قبیل: گرشاسب نامه، تاریخ بلعمی، تاریخ بیهقی وغیره به صورت قهستان درج شده است و معنی آن چنین است: قه، که با رسم‌الخطهای: قه، قو، کی، کهن و که به کار رفته است. در مناطق خشک و کویر، به معنی آبی است که به وسایل مصنوعی از قبیل کندن چاه و ایجاد کاریز بدست می‌آید و مورد استفاده قرار می گیرد ... . از اینرو در منطقه کویری و حاشیه آن از قبیل: کرمان، یزد، اصفهان و نائین، قم و جنوب خراسان. آبادی‌هایی که فاقد رودخانه بوده و آب آنها منحصراً به وسیله چاه و قنات تأمین می‌شد مجموعه آنها را «قُهِستان» می‌نامیدند (زعفرانلو و سروش، ۱۳۹۲: ۳).

یافته‌های حاصل پژوهش

در منطقهٔ جغرافیایی این پژوهش (استان خراسان جنوبی)، مجموعاً ۲۰ سنگ‌نگاره[۱] مورد بررسی[۲] قرار گرفت که به‌صورت تقریبی ۷۴۹ نقش که شامل نقوشی مثل: حیوانی، انسانی، هندسی (نمادین)، ابزار، گیاهی، اجرام، کتیبه و نقوش نامعلوم نیز مورد شناسایی قرار گرفت که در این ۲۰ محوطه صدها نقش حیوانی و نمادین و ده‌ها نقش انسانی متفاوت در حال انجام مراسم آیینی در حالات مختلف به طرز زیبایی نقر شده‌اند. (نقشه ۲) (نمودار۱). البته ذکر این نکته ضرروی به نظر می‌رسد که تعددی از نقوش به دلیل گذشت زمان و قدمت زیاد و فرسایش سنگ قابل بررسی نبوده و نامشخص و نامعلوم است.

نقش‌مایه‌های شاخص در محدودهٔ مورد پژوهش

نقش‌مایه‌های شاخص در استان خراسان جنوبی عبارتند از:

۱- نقش‌مایه‌های حیوانی؛

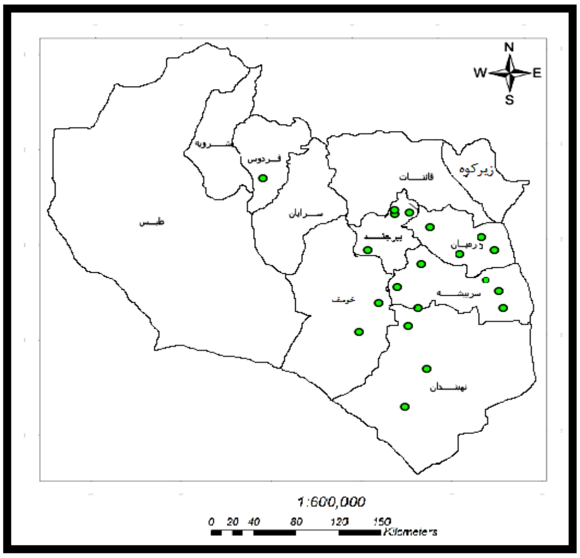
۲- نقش‌مایه‌های انسانی؛

۳- نقش‌مایه‌های هندسی؛

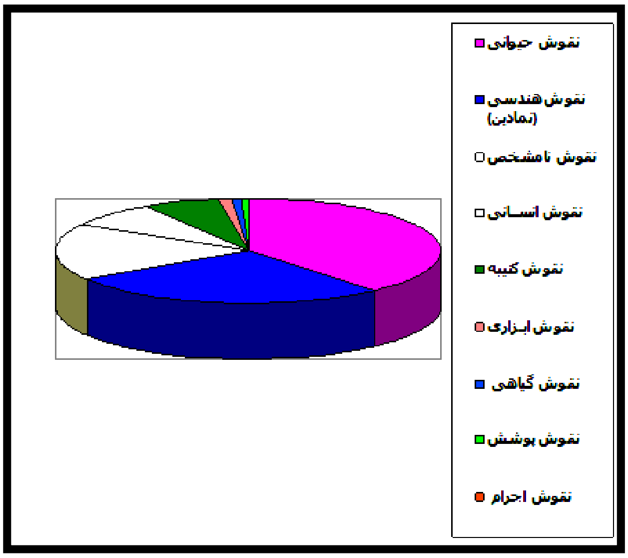
۴- نقش‌مایه‌های اشیاء و ابزارآلات؛

۵- نقش‌مایه‌های گیاهی؛

۶- نقش‌مایه‌های اجرام.



نقشه ۲. نحوه پراکنش سنگ‌نگاره‌ها در استان خراسان جنوبی (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۲۵۹).



نمودار ۱. درصد نقوش بدست آمده از سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی(مأخذ؛ نگارندگان، ۱۳۹۳)

معرفی اجمالی صخره‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی

۱. سنگ‌نگاره‌های شهرستان سربیشه

سنگ‌نگاره ۱. بیژائم

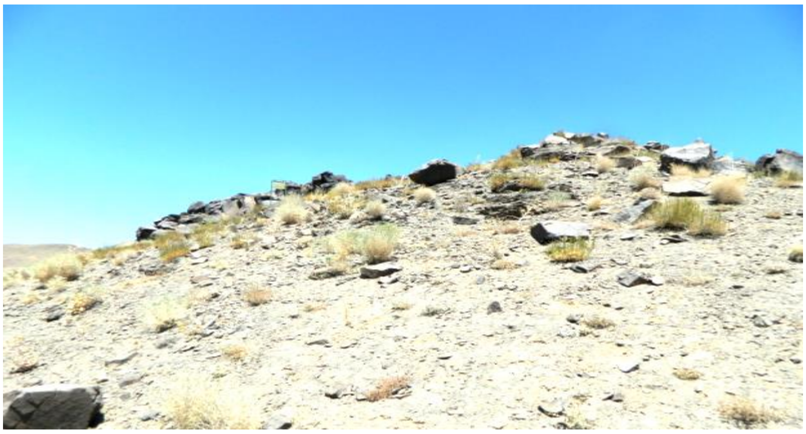
سنگ‌نگاره بیژائم (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۰۸)، در شهرستان سربیشه و در حدود ۵۰۰ متری جنوب شرقی روستای بیژائم بر روی کوه کمربرج از توابع دهستان نهارجان، بخش مود، شهرستان سربیشه واقع شده است. روستای بیژائم در استان خراسان جنوبی و در ۵۷ کیلومتری شهرستان بیرجند و ۲۴ کیلومتری شهر مود و در رشته کوه‌های میناباد (مؤمن‌آباد) قرار دارد. از روستاهای همسایه بیژائم می‌توان به روستاهای بشگز، میان‌کوه (مینکی)، درویش‌آباد، اسفزار اشاره نمود. راه دسترسی به این سنگ‌نگاره از طریق جاده بیرجند- مود- سربیشه است. برای رسیدن به سنگ‌نگاره باید از محل تقاطع جاده مود حدود ۲۲ کیلومتر به سمت شمال حرکت کنید. مسیر تا

---

۱. سنگ‌نگاره‌های مورد بررسی در استان خراسان جنوبی شامل: (بیژائم، تنگل اُستاد، دامدامه، ماخونیک، رامَنگان ۱، رامَنگان ۲، خزان، لاخِ دُلدُل، آسو، کافرکوه، دره مَسک، لاخِ چمنزار، دره فورگ، جاده اسدآباد، کوه گردکوچک، هردنگ، کالِ جنگال، نخلستان، کالِ حُسینا و چاه‌چشمه).

۲. موقعیت جغرافیایی، نوع سنگ، وضعیت آسیب دیدگی هرکدام از سنگ-نگاره‌ها در جدولی در انتهای مقاله آورده شده است (جدول ۱).

۲۰۰ متری سنگ‌نگاره آسفالته است. تعداد کل نقوش ۲۰ نگاره است که روی ۳ تخته‌سنگ با فاصله نزدیک از هم نقر شده است (تصویر ۱). جهت صخره‌ها رو به جنوب، جنوب غرب و غرب است (تصویر ۲). نگاره‌ها در ۴ دسته نقش‌مایه: حیوانی، هندسی، کتیبه، نمادین است که می‌توان آن را نماد موضوعی خاص دانست. قابل توجه‌ترین اثر این مجموعه تخته‌سنگ ۲ است که بر سطحی صاف با شیب عمودی و به ابعاد ۹۰×۵۷ سانتیمتر نقر شده و نقوش، بزهای کوهی با شاخ‌های مختلف و یک حیوان وحشی (احتمالا گرگ) می‌باشد. با توجه به نقوش وجود چراگاهی وسیع و فراوانی گونه این حیوان در گذشته به ذهن متبادر می‌گردد (طرح ۱). ویژگی‌های طبیعی و تنوع جانوری جُربت شکارگاه مناسبی را برای ساکنین آن‌جا فراهم ساخته است که نمود آن را می‌توان آشکارا در نگاره‌ها دید. نقوش بزهای کوهی بیژائم مشابه نقوش نگارکندهای جُربت و کول ژاباسی قزاقستان و لاخ مزار بیرجند است (طرح ۲ و ۳).



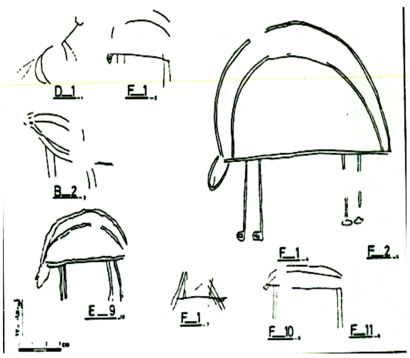
تصویر ۱. نمایی شمالی از صخره‌های حاوی نقوش در محوطۀ بیژائم (مأخذ: قربانی، ۱۳۹۲).



تصویر ۲. نمایی جنوبی از صخره‌های حاوی نقوش در محوطۀ بیژائم (مأخذ: قربانی، ۱۳۹۲).



طرح ۱. طرح حاوی نقوش حیوانی در محوطۀ بیژائم (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۱۱۰).



طرح ۲. نقش بزهای کوهی در سنگ‌نگاره لاخ مزار بیرجند (مأخذ؛ بختیاری‌شهری، ۱۳۷۷).



طرح ۳. در گول زاباسی قزاقستان (فرامکلین، ۱۳۷۲: ۴۲).

سنگ‌نگاره ۲. تَنگَل‌اُستاد

سنگ‌نگاره تَنگَل‌اُستاد (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۱۱)، واقع در روستای چِنِشت، از توابع دهستان نِهارجان، بخش مود، شهرستان سربیشه و در استان خراسان جنوبی قرار دارد. کل نقوش این محوطه دربرگیرنده ۴۶ نقش که شامل نقوش حیوانی، انسانی، نمادین، کتیبه، هندسی و ابزار است که بر روی ۷ تخته‌سنگ حک شده است (تصویر ۳). مساحت تقریبی اثر ۱۵×۴ متر است. قابل‌توجه‌ترین نقش در این مجموعه تخته‌سنگ شماره ۳ است شامل یک نقش یک بز و یک حیوان به احتمال روباه که قصد شکار را دارد. ابعاد تقریبی این تخته‌سنگ ۱۳۰ × ۷۰ سانتی‌متر است (طرح ۴).



تصویر ۳. نمایی از صخره‌های حاوی نقوش در محوطۀ تَنگل اُستاد (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲).



طرح ٤. نقوش حیوانی با مضمون بزی در حال فرار از دست روباه؟ محوطۀ تَنگل اُستاد (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

سنگ‌نگاره ۳. دامدامه

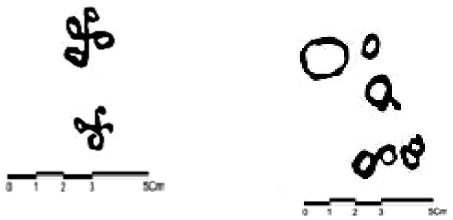
سنگ‌نگاره دامدامه (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۱۸)، واقع در شهرستان سربیشه بخش دُرح استان خراسان جنوبی است. سنگ‌نگاره موجود بر تخته‌سنگ سیاه‌رنگی احتمالاً از جنس سنگ‌های آذرین بر کناره راه آب باریکی که از کوه به سمت رودخانه فصلی کنار روستا امتداد دارد قرار گرفته است (تصویر ۴). تعداد ۱۵ نقش بر روی تخته‌سنگی به ابعاد ۳۰۰×۲۰۰ سانتی‌متر و قسمت منقوش ۱۲۰×۱۰۰ سانتی‌متر به‌صورت افقی با شیب ملایمی در پایین کوهی سنگلاخی قرار دارد (تصویر ۵). نقوش هندسی بیشترین نقوش موجود در این محوطه است. بیشترن نقش موجود از این نگاره‌ها را نگاره دایره‌مانند و اسواستیکا= صلیب شکسته به خود اختصاص داده است. (طرح ۵ و ۶). نقش چلیپا را در محوطه‌های جُربت و لاخ مزار بیرجند نیز گزارش شده است (۷ و ۸).



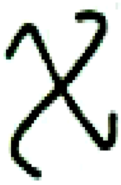
تصویر ٤. نمایی از صخره‌های حاوی نقوش در محوطهٔ دامدامه (مأخذ؛ قربانی، ١٣٩٢).



تصویر ٥. نمایی نزدیک از صخره حاوی نقوش در محوطهٔ دامدامه (مأخذ؛ قربانی، ١٣٩٢).



طرح ٥ و ٦ . طرح حاوی نقوش نمادین در محوطهٔ دامدامه (مأخذ؛ قربانی، ١٣٩٢: ١١٩).



طرح ٧. طرح چلیپا در لاخ مزار بیرجند (مأخذ؛ لباف خانیکی و بشاش: ١٣٧٣: ٥١).



طرح ٨. نگاره چلیپا در جُربت (مأخذ؛ رشیدی نژاد و دیگران، ١٣٨٨: ١٧٠).

سنگ‌نگاره ٤. ماخونیک

سنگ‌نگاره ماخونیک (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۱)، واقع در شهرستان سربیشه بخش دُرُح و در ۲ کیلومتری شرق روستای ماخونیک است. سنگ‌نگاره بر روی تخته‌سنگی بزرگ و سیاه رنگ احتمالاً از جنس سنگ‌های آذرین و درکنار قنات روستا است. ابعاد تقریبی تخته‌سنگ ۴×۴×۶ متر و قسمت منقوش به صورت تقریبی دارای ابعاد ۲×۳ متر است (تصویر ۶). در این محوطه تعداد ۲۷ نقش که دربرگیرنده: نقوش نمادین و هندسی، ۲ کتیبه به خط کوفی، نقوش حیوانی و نقوشی نامشخص است. نقوش حیوانی این مجموعه: نقش ۷ بز که شاخ‌هایشان به عقب برگشته و دمشان کوتاه نقر شده است و جهت ۶ بز به سمت راست است، یکی از بزها به سمت چپ است و نقش یکی از بزها به دلیل فرسایش سنگ نقش به مرور زمان نیز فرسایش یافته است (تصویر ۷).



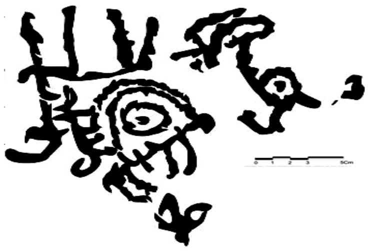
تصویر ٦. نمایی از صخره حاوی نقوش در محوطهٔ ماخونیک (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲).



تصویر ۷. صخره حاوی نقوش حیوانی در محوطهٔ ماخونیک (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

سنگ‌نگاره ۵ و ٦. رامَنگان ۱ و رامَنگان ۲

سنگ‌نگاره رامَنگان ۱ و ۲ (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۳ و ۱۲۹)، واقع در شهرستان سربیشه بخش مرکزی، دهستان نهارجان، و در (۵۰۰ و ۸۰۰ متری) روستای رامَنگان است. نقوش این دو محوطه دربرگیرنده ۲۵ نقش است که بر روی تکه‌سنگ‌های مختلفی پراکنده با ابعادی متفاوت نقر شده است. نقوش این مجموعه در ۴ گروه: انسانی، حیوانی، هندسی، نمادین، کتیبه، ابزارآلات و تعدادی نقوش نامشخص که به دلیل گذشت زمان نقوش فرسایش یافته‌اند. قابل‌توجه‌ترین نقش این مجموعه در سنگ‌نگاره رامَنگان ۲ است که دربرگیرنده مضمون بسیار جالبی است که شامل: نقوش بزهایی است که در میانشان نقش یک گرگ حک شده است (طرح ۹).



طرح ۹. طرح حاوی نقوش بزهایی در حال گریز در محوطهٔ رامَنگان ۲ (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۱)

سنگ‌نگاره‌های شهرستان بیرجند

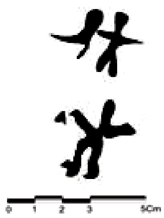
سنگ‌نگاره ۱. خَزان

سنگ‌نگاره خَزان (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۲)، در روستای خَزان از توابع دهستان شاخِنات، بخش مرکزی، شهرستان بیرجند و در استان خراسان جنوبی قرار دارد. این محوطه دارای ۱۰ تخته‌سنگ است که حاوی ۲۱ نقش است و در برگیرنده؛ نقوش انسانی، حیوانی، نمادین و نقوشی نامفهوم قرار گرفته است (تصویر ۸). قابل‌توجه‌ترین نقوش این مجموعه نقش در تخته‌سنگ ۶ به ابعاد تقریبی ۲۴۵×۱۰۶ سانتی‌متر است که نقش دو انسان (احتمالاً در حال انجام مراسم آیینی) روی آن حک شده است (طرح ۱۰). شباهت موتیف‌های انسانی در حال انجام مراسم پایکوبی سنگ-نگاره خزان با سنگ‌نگاره جُربت برابری می‌کند (تصویر ۹).



تصویر ۸. نمایی از صخره‌های حاوی نقوش در محوطهٔ خزان (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲).





طرح ۱۰. نقوش انسانی در حال انجام مراسمی آیینی (رقص) در محوطه خزان (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

تصویر ۹. نقوش انسانی در حال پایکوبی در سنگ‌نگاره جُربت (مأخذ؛ رشیدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶۸).

سنگ‌نگاره ۲. لاخِ دُلدُل

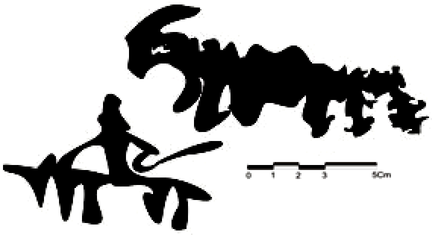
سنگ‌نگاره لاخِ دُلدُل (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۸)، در روستای شاخِن از جمله روستاهای بزرگ و پرجمعیت شهرستان بیرجند مرکز استان خراسان جنوبی قرار گرفته است. این روستا مرکز دهستان شاخِن است که یکی از مراکز مهم تاریخی در شرق شهرستان بیرجند محسوب می‌شود. شاخن در فاصله‌ی ۱۰۵ کیلومتری شرق شهرستان بیرجند واقع شده است. مجموعه‌نگاره‌های سنگی لاخِ دُلدُل بر سطح سنگ‌هایی بر روی صخره‌ای به همین نام حک شده است. این صخره بر دامنه کوهی به نام منم و مشرف به مزارع معروف به کشمان لشگرگاه قرار دارد (تصویر ۱۰). این محوطه در برگیرنده ۴۰ نقش است که بر روی دیواره صخره‌ای بزرگی نقر شده است (تصویر ۱۱). در مجموع نکات قابل توجه درباره این مجموعه نقوش را می‌توان به این ترتیب زیر برشمرد: بیشتر نقوش حیوانی نیم‌رخ و روی سطح عمودی کشیده شده‌اند، در اجرای نقوش از شیوه تک‌خط و بیشتر توپر مخصوصاً در نشان دادن نقوش ترکیبی انسان و اسب استفاده شده است، سلاح‌هایی که در مجموع دیده شده شامل تفنگ و چوبدستی است (طرح ۱۱). نقوش حیوانات وحشی و اسطوره‌ای از نکات بسیار قابل توجه می‌باشد که با توجه به اقلیم و پوشش گیاهی منطقه احتمالاً نشان از وجود حیوانات وحشی در گذشته در این منطقه می‌باشد.



تصویر ۱۰. نمایی از مزارع معروف به کشمان لشگرگاه در نزدیک سنگ‌نگاره لاخِ دُلدُل (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲).



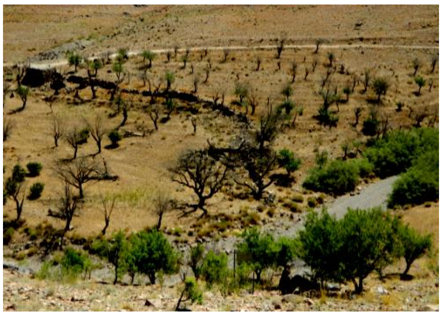
تصویر ۱۱. نمایی از صخره‌های حاوی نقوش در محوطهٔ خزان
(مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲).



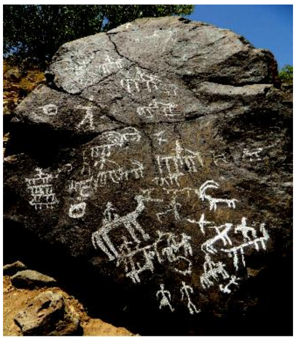
طرح ۱۱. نقوش انسانی و حیوانی در محوطه لاخِ دُلدُل
(مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۱۴۱).

سنگ‌نگاره ۳. آسو

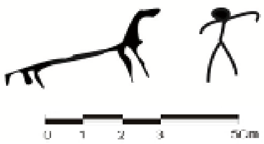
سنگ‌نگاره آسو (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۴۸)، واقع در شهرستان بیرجند، بخش مرکزی، دهستان القورات و در حدود سیصدمتری جنوب آسو در بالای تپه‌ای مشرف به مزرعه بوشادی است (تصویر ۱۲). مجموعه نقوش و نگاره‌های آسو بر سطح سنگی در سه وجه با شیب عمودی در فاصله حدود سیصدمتری روستای آسو و دربرگیرنده ۵۱ نگاره است. قابل‌توجه‌ترین اثر این مجموعه در وجه رو به شمال‌شرقی تخته‌سنگ است که شامل: نقش اسب و اسب-سوار، نقوش انسانی سوار بر شتر، نقش بزکوهی، نقش نمادین، نقوش حیوانی (سگ و گرگ) (تصویر ۱۳). چنین نقش‌هایی قابل مقایسه با سنگ‌نگاره مرزبانیک بلوچستان در جنوب شرق ایران است (moradi & other, 2013). یکی از نقش‌های جالب بر روی این تخته سنگ نگاره نزاع انسانی است با نقش حیوانی که نقش انسانی حالت تهاجمی به خود گرفته است (طرح ۱۲). چنین نقشی قابل مقایسه با سنگ‌نگاره جُربت است (طرح ۱۳).



تصویر ۱۲. نمایی از صخره حاوی نقوش در محوطهٔ آسو
(مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲).



تصویر ۱۳. نقوش انسانی و حیوانی و نمادین در محوطه آسو
(مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۱۵۱).



طرح ۱۲. نقوش انسانی در حال نبرد بانقوش حیوانی در محوطه آسو
(مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۱۵۲).



طرح ۱۳. نقوش انسانی و حیوانی در حال نبرد در محوطه دشت توس (مأخذ؛ بختیاری‌شهری: ۱۳۸۸: ۴۲).

سنگ‌نگاره ٤. کافرکوه

سنگ‌نگاره کافرکوه (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۵۵)، واقع در شهرستان بیرجند، بخش مرکزی، دهستان شاخنات و بعد از روستای گازار در مسیر جاده‌ای به سمت وَرقَنه است. این محوطه در برگیرنده ۲۳ نقش است که بر روی دو تخته‌سنگ نقر شده است (تصویر ۱۴).

بیشترین تعداد نقوش در تخته‌سنگ‌شماره ۱ است که در وجه رو به غرب سنگ نقر شده است: کتیبه‌های متعلق به دوران ساسانی، نقوش انسانی، نقوش نمادین، نقوش حیوانی، نقوش گیاهی و نقوش نامفهوم (تصویر ۱۵).



تصویر ١٤. نمایی از صخره‌های حاوی نقوش در محوطهٔ کافرکوه (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲).



تصویر ١٥. نقوش انسانی و حیوانی و نمادین و کتیبه در محوطه کافرکوه (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۱۵۶).

سنگ‌نگاره‌های شهرستان درمیان

سنگ‌نگاره ١. دره مسک

سنگ‌نگاره دره مسک (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۵۹-۱۶۰)، واقع در شهرستان درمیان، بخش مرکزی و در روستای دره مسک است.

سنگ‌نگاره‌ها بر دامنه کوه جاده‌ی میان باغات روی ۳ تخته سنگ منفرد خاکستری است و دارای کتیبه‌های متعددی از دوره اسلامی می‌باشد. نقوش به صورت کتیبه‌هایی عربی دوره اسلامی (تصویر ۱۶)، و اندک نقوشی شبیه به حیوانی است و نقوش نامشخص است و در مجموع ۹ نقش را شامل می‌شود.



تصویر ١٦. نمایی از صخره‌های حاوی نقوش در محوطهٔ دره مسک (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۱۶۱).

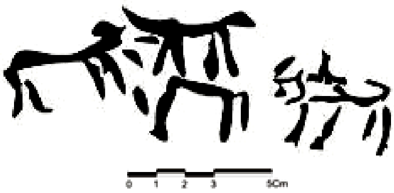
سنگ‌نگاره ٢. لاخِ چمنزار

سنگ‌نگاره لاخِ چمنزار (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۶۳)، واقع در شهرستان درمیان (اسدیه) بخش گِزیک، دهستان طبس مسینا و روستای

دستگرد است و به گفته اهالی وجه تسمیه آن به دلیل در میانِ چمنزار بودن این سنگ‌نگاره باشد (تصویر ۱۷). نقوش این محوطه در ۵ گروه؛ حیوانی، انسانی، ابزار، نمادین، هندسی، نامشخص قرار گرفته است و در مجموع ۲۹ نقش را به خود اختصاص داده است. نوع اثر نقش‌های سنگ‌نگاره لاخِ چمنزار هم به‌صورت گروه مجموعه و هم تک‌مجموعه، تک‌نگاره و تلفیقی است. قابل‌توجه‌ترین نقوش این مجموعه در دیواره صخره‌ای ۲ رو به شمال: مجموعه‌ای از نقوش حیوانی شامل: ۳ بز که در حال نبرد با یک حیوان نامشخص و رودروی هم هستند (طرح ۱۴).



تصویر ۱۷. نمایی از صخره‌های حاوی نقوش در محوطهٔ کافرکوه (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲)



طرح ۱٤. نقوش حیوانی در حال نبرد در محوطهٔ کافرکوه (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۱۶۴).

سنگ‌نگاره ۳. دره فورگ

روستای فورگ (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۶۶-۱۶۷)، در ۱۰۷ کیلومتری جنوب شرقی بیرجند در شهرستان درمیان واقع شده است. این روستا کاملاً در دامنه کوه مؤمن‌آباد واقع شده و دارای آب و هوای سرد کوهستانی می‌باشد و جزء مناطق ییلاقی خراسان جنوبی به‌شمار می‌رود. نقوش این محوطه دربرگیرنده نقوش نمادین و کتیبه‌ها است که به تعداد ۲۷ نقش است و بر دامنه کوهی میان روستا روی ۳ تخته سنگ منفرد خاکستری نقر شده است. کتیبه‌ای عربی از دوره اسلامی و اسامی افراد و نیز نقوش دایره و نعل اسب است (تصویر ۱۸)



تصویر ۱۸. نمایی از صخره‌های حاوی نقوش در محوطهٔ دره فورگ (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲).

سنگ‌نگاره ٤. جاده اسدآباد

سنگ‌نگاره جاده اسدآباد (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۷۰)، واقع در شهرستان درمیان، کیلومتر ۵ جاده اسدیه به طبس مسینا و کنار شن‌شویی شهرداری اسدیه است. نقوش این محوطه ۷ نقش به سبک پتروگلیف است که بر روی ۲ تخته‌سنگ نقر شده است و شامل نقوشی از حیوانات و نمادین است (تصویر ۱۹). مضمون نقوش حیوانی در این محوطه نقش بزهایی در چراگاه است که تعدادی از بزها به علت گذشت زمان آسیب دیده و فرسایش یافته است (تصویر ۲۰).



تصویر ۱۹. نمایی از صخره‌های حاوی نقوش در محوطهٔ جاده اسدآباد (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲).



تصویر ۲۰. نقوش حیوانی در چراگاه در محوطهٔ اسدآباد (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۱۷۱).

سنگ‌نگاره‌های شهرستان خوسف

سنگ‌نگاره ۱. کوه‌گرد کوچک

سنگ‌نگاره کوه‌گردکوچک (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۷۲)، واقع در شهرستان خوسف، در دهستان قلعه زری ۷ کیلومتری شرق روستای فیض‌آباد است. این محوطه سرشار از نقوش متنوع با مضمون‌های جالب است که در نوع خود بی‌نظیر است. در مجموع ۱۲۳ نگاره بر روی ۹ تخته سنگ متشکل از تخته‌سنگ قهوه‌ای رنگ در کوه پراکنده شده است (تصویر ۲۱). نوع اثر نقش‌ها هم به صورت گروه مجموعه و هم تک‌مجموعه و تک‌نگاره است. نقوشی دربرگیرنده: نقش‌مایه‌های انسانی، حیوانی، سلاح، هندسی، نمادین و نامشخص را شامل می‌شود. یکی از زیباترین نقش‌ها در این محوطه بر روی تخته‌سنگی به ابعاد ۲۴۵×۱۰۶ سانتی‌متر است که، نقش دو فرد سواره را نشانگر است که در دستشان سلاحی نقر شده که احتمالاً برای شکار حیوانات است که جهت یکی از نقوش به سمت چپ و نقش دیگری به سمت راست است. این نقش با توجه به پاهای اسب حرکت را نشان می‌دهد و دو حیوان وحشی در پای اسب‌ها نقر شده است با توجه به فرسایش سنگ نوع حیوانات نامعلوم است (طرح ۱۵).



تصویر ۲۱. نمایی از صخره‌های حاوی نقوش در محوطهٔ کوه گردکوچک (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲).



طرح ۱۵. نقوش سوارکاران در حال نبرد با حیوانات وحشی در محوطهٔ کوه گردکوچک (مأخذ؛ قربانی،۱۳۹۲: ۱۷۶).

سنگ‌نگاره ۲. هَردَنگ

سنگ‌نگاره هَردَنگ (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۷۹)، واقع در شهرستان خوسف، بخش مرکزی، دهستان ماژان و در ۲ کیلومتری شمال روستای هَردَنگ است. سنگ‌نگاره بر روی صخره‌هایی کوهستانی است که روی ۲ تخته سنگ نقش حک شده که سطحی ناهموار دارد (تصویر ۲۲). از جالب‌ترین نقش‌ها هم از نظر مکان و هم از نظر مضمون نقش در یک تخته‌سنگ بزرگ به ابعاد تقریبی ۳×۴ متر بر روی کوه قرار دارد. در این مجموعه نقش بزهای کوهی است که اکثرشان جهت‌شان به سمت راست است و نسبت به سایر نقوش ما از نظر ابلعاد جزء کوچک‌ترین نقوش ما هستند (طرح ۱۶).



تصویر ۲۲. نمایی از صخره‌های حاوی نقوش در محوطهٔ هَردنگ (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲).



طرح ١٦. نقوش حیوانی در محوطهٔ هَردنگ (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۱۸۱).

سنگ‌نگاره ۳. کالِ جنگال

سنگ‌نگاره کالِ جنگال (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۸۲)، در یازده کیلومتری شرق خوسف و دو کیلومتری جنوب‌غربی روستای ریچ و پشت تپه‌های (خَردُزد) و دهکده کوچک و زیبای (ساق پیچوک) در ابتدای رشته کوه باقران و در دره‌ی تنگ و باریک و ژرفی به نام کالِ جنگال قرار دارد. دره کالِ جنگال در حد واسط دشت‌های شرق و غرب کوه باقران واقع است. نقوش این مجموعه در ۴ گروه

انسانی، حیوانی، کتیبه (اشکانی)، نامشخص جای گرفته است و شامل ۱۴ نقش است. قابل توجه‌ترین اثر این محوطه در پشت دیوار صخره‌ای ۶ در کنار دره‌ای عمیق نقش یک پهلوان اشکانی در حال جنگ با یک حیوان وحشی (شیر) نقر شده که نقش حیوانی نیم‌رخ و رو به سمت راست است (طرح ۱۷). نقش شیر کنده‌نگاره‌های لاخ مزار بیرجند با تمام جزییات موجود قایب مقایسه با نگاره کالِ جنگال است (طرح ۱۸). نقش شیر را در دشت توس در میان سایر نگاره‌ها نقر شده است اما با این تفاوت که به‌صورت خلاصه‌شده و صورت استیلیزه است (طرح ۱۹). با نگاهی به نقوش حیوان این استان پی می‌بریم که، برخی از نقوش حیوانی بومی منطقه بوده، اما امروزه از نقوشی مثل شیر، پلنگ در این منطقه خبری نیست. لذا از آن‌جا که هنرمندان حکاک این نقوش، جز از روی مشاهدهٔ واقعیّت نمی‌توانسته‌اند به نقر نقوش و یا نقاشی آن‌ها بپردازند، لذا شکّی نیست که در دوران‌های پیش از ما، این حیوانات در این منطقه زیست داشته‌اند.



طرح ۱۷. نقوش پهلوان اشکانی در حال نبرد با شیر در محوطهٔ کالِ جنگال (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۱۸۷).



طرح ۱۸. نقوش شیر به‌صورت واقع‌گرایانه در محوطهٔ لاخ مزار بیرجند (مأخذ؛ لباف‌خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳: ۴۷).



طرح ۱۹. نقش شیر به‌صورت خلاصه‌شده در دشت توس (مأخذ؛ بختیاری‌شهری، ۱۳۸۸: ۳۷).

۵. سنگ‌نگاره‌های شهرستان نهبندان

سنگ‌نگاره ۱. نخلستان

سنگ‌نگاره نخلستان (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۸۸)، واقع در شهرستان نهبندان در ۱۶ کیلومتری سنگ‌بُری سمت راست جاده چاهداشی به دهسلم و در ۵ کیلومتری روستای دُهو است. نقوش این محوطه بر روی ۸ تخته‌سنگ به‌صورت پراکنده از هم نقر شده است که در مجموع ۷۷ نقش از نقوش حیوانی، سلاح، انسانی، هندسی، گیاهی، نمادین، نامشخص، اجرام را به خود اختصاص داده است (تصویر ۲۳). یکی از جالب‌انگیزترین نقوش در این محوطه تخته‌سنگی است که سرشار از نقوش انسانی، حیوانی (گاوکوهاندار، شتر، اسب، فیل، نقش گربه‌سانان و بزکوهی)، گیاهی (درخت زندگی) و نمادین است که نقوش اکثراً جهت‌شان به سمت راست است (تصویر ۲۴).



تصویر ۲۳. نمایی از صخره‌های حاوی نقوش در محوطهٔ نخلستان (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲).



طرح ٢٤. نقوش حیوانی در محوطهٔ نخلستان (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۱۹۳).

سنگ‌نگاره ۲. کالِ حُسینا

سنگ‌نگاره کالِ حُسینا (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۹۵)، واقع در شهرستان نهبندان، در ده کیلومتری روستای چهارفرسخ و حدود یک کیلومتری شرق روستای کالِ حُسینا است.

نوع اثر نقش‌های سنگ‌نگاره کالِ حُسینا هم به صورت مجموعه‌ای، تک‌مجموعه، تک‌نگاره و تلفیقی نیز می‌باشد که در مجموع ۹۶ نقش شامل: نقوش انسانی، حیوانی، هندسی، سلاح، نمادین، کتیبه، نامشخص است (تصویر ۲۵). قابل‌توجه‌ترین نقوش در این محوطه نقش انسانی کماندار است که در حال تیراندازی به سمت دو بز است (طرح ۲۰). نقش انسان کماندار سنگ‌نگاره‌های استان قابل مقایسه با نقوش کماندار در دشت توس و میمند کرمان است (طرح ۲۱ و ۲۲).



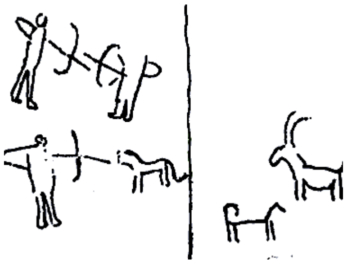
تصویر ۲۵. نمایی از صخره‌های حاوی نقوش در محوطهٔ کالِ حُسینا (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲).



طرح ۲۰. نقوش انسان کماندار‌در حال تیراندازی به سمت دو بز در محوطهٔ‌کالِ حُسینا (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۲۰۱).



طرح ۲۱. نقوش انسان کماندار‌در حال تیراندازی به سمت یک بز در دشت توس (مأخذ؛ بختیاری‌شهری، ۱۳۸۸: ۳۸).



طرح ۲۲. نقوش انسان کمانداردر حال تیراندازی در سنگ‌نگاره میمند کرمان (مأخذ؛ فرهادی، ۱۳۷۷).

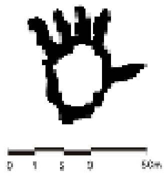
۵. سنگ‌نگاره‌های شهرستان فردوس

سنگ‌نگاره ۱. چاه‌چشمه

سنگ‌نگاره چاه چشمه (قربانی، ۱۳۹۲: ۲۰۷)، واقع در شهرستان فردوس استان خراسان جنوبی ما بین روستای خانکوک و ابراهیم‌آباد و در پانصدمتری معدن سنگ است. تعداد نقوش این محوطه ۹۰ نقش که بر روی ۳ تخته‌سنگ به سبک پتروگلیف نر شده است (تصویر ۲۶). نقوش در ۴ گروه نقوش حیوانی، هندسی (نمادین) و تعدادی نقوش دیگر که به علت فرسایش سنگ تشخیص‌شان نامعلوم است. قابل توجه‌ترین نقش در این محوطه نقش دست است که احتمالاً جزء نقوش نمادین به‌شمار می‌رود (طرح ۲۳). نگاره‌های پنجه دست از الگوهای باستانی در استان خراسان جنوبی است. این نمادها با نمادهای لاخ مزار بیرجند و جُربت برابری می‌کند (طرح ۲۴ و ۲۵).



تصویر ۲٦. نمایی از صخره‌های حاوی نقوش در محوطهٔ چاه چشمه (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲).



طرح ۲۳. نقوش نمادین در محوطهٔ چاه چشمه (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۲۰۹).



طرح ۲٤. نگاره دست در لاخ مزار بیرجند (مأخذ؛ لباف‌خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳: ۵۱).



طرح ۲۵. نقش نمادین دست در سنگ‌نگاره جُربت
(مأخذ؛رشیدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

در طی بررسی و مطالعه باستان‌شناسی ۲۰ محوطه از سنگ‌نگاره-های استان خراسان جنوبی نتایجی جالب به دست آمد که اکثراً دارای ویژگی‌هایی مشترکی هستند که به منظور روشن شدن بحث به عنوان یک شاخصه گاهنگاری و از همه مهم‌تر تعیین پیشینهٔ نقوش باید به این ویژگی‌ها توجه لازم شود.

۱. مشخصات و ویژگی عمومی نقوش

سبک و شیوه نقوش

به‌طور کلی نقوش هر ۲۰ منطقهٔ مورد مطالعه بر اساس مطالعات میدانی و بر اساس تقسیم‌بندی کلی که برای این هنر در نظرگرفته شده است به سبک پتروگلیف (کنده‌نگاره) است. در مطالعاتی که تاکنون در برخی از جایگاه‌های هنر صخره‌ای ایران به‌عمل آمده، نظر پژوهشگر چنین ارائه شده است که نقوش با ضربات چکشی کنده شده‌اند؛ که گاه برای ایجاد چنین نقوشی از ابزار سنگی و یا شاید هم فلز استفاده شده و با کشیدن چنین ابزاری بر روی بستر اصلی سایش عمیقی ایجاد شده است که گاه بین ۰/۵ تا ۲ سانتی-متر و گاه بیشتر که به روش چکشی یا سایش صورت گرفته است. البته تعدادی محدود و انگشت‌شمار از پتروگلیف (خراشی) نیز در این محوطه‌ها دیده شده است که مربوط به زمان‌ها جدیدتر است.

مکان ایجاد نقوش

سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی در مجاورت منابع آبی مختلف مثل رودخانه‌های فصلی منتهی می‌شوند و یا چشمه و آبشخوری طبیعی قرار دارند؛ از طرفی این محوطه‌ها، در کنارهٔ راه-های فرعی کوهستانی که به زیست‌گاه‌های باستانی راه دارند واقع شده‌اند.

کیفیت نقوش

عمق و تفاوت رنگ و چگونگی فرسایش و ماندگاری نقوش از جمله عواملی هستند که می‌توانند در تعیین قدمت و تقدم و تأخّر ایجاد آنها مورد نظر قرار گیرند. عمق و رنگ نقوش حتّی آنهایی که در یک صحنه قرار دارند با یکدیگر متفاوت بوده، بدین‌صورت که عمق برخی به علت مرور زمان و تأثیر عوامل طبیعی به قدری فرسایش یافته که تقریبا با صخره همسطح گردیده و یا اینکه سطح برخی دیگر را زنگار گرفته و با زمینهٔ صخره همرنگ شده و به‌همین دلیل به راحتی قابل رؤیت نیستند و تنها از زاویه‌ای مناسب از سطح صخره، متمایز شده و قابل تشخیص می‌باشند. از طرفی، محدودیت سطح یک صخره و تأکید بر ایجاد نقوش در همان سطح در ادوار مختلف باعث شده تا بر روی صخره‌های اصلی، تراکم و انبوهی از نقوش مختلف حک شوند به گونه‌ای که نقش‌ها چسبیده به هم و بعضاً بر روی یکدیگر قرار گرفته‌اند و باعث شده تا موضوع آنها قابل تشخیص نباشد.

نحوه قرارگیری نقوش

تجمع نقوش اکثراً در قسمت بلندای دیواره‌صخره‌ای و یا بالاترین نقطه تخته‌سنگ تا پایین‌ترین آن نقر شده است اما به‌طور کلی در قسمت‌های پایینی تمرکزشان بیشتر مشهود است.

سازندگان نقوش

در برخورد با نقوش و تصاویر صخره‌ای این سوال همیشه به وجود می‌آید که سازندگان و نقش کنندگان این نگاره‌ها چه کسانی بوده-اند. عده‌ای معتقدند که این نقوش نوعی نقوش چوپانی بوده که یک چوپان و یا یک کتیرازن آن را از روی تفنن و بی‌کاری و یا در هنگامی که منتظر چرای گله بوده آن را ایجاد کرده است؛ در عین حال نقاشی‌های عامیانه این صحنه‌ها، نشانگر آن است که شغل اصلی آنها نگارگری و یا شغل‌هایی همچون جادوگری باستانی و غیره نبوده است. اگر چه در میان این نقوش و با توجه به وسایل و امکانات آن زمان طرح‌های عالی و شگفت‌آور نیز دیده می‌شود که اگر شغل اصلی این نقاشان نگارگری می‌بود، به خاطر ممارست در کار، این افراد را به نگارگران ماهرتری تبدیل کرده و شیوه کار آنها را در سبکی تکامل می‌بخشید و آنها فرصت و مجال

بیشتری برای انجام کارهای زمان‌گیرتر داشته و می‌توانسته‌اند تصاویر بزرگتر و ماهرانه‌تری را ترسیم کنند (فرهادی، ۱۳۷۷: ۲۰۰). این سنگ‌نگاره‌ها نشان می‌دهد که شغل اصلی نگارگران شکارگری بوده و در حاشیه و به ضرورت در فواصل نسبتاً زیاد و بی‌هیچ قصدی برای تفنن به این کار دست می‌زده‌اند. کوچک بودن نگاره‌ها، کنده شدن آنها بر روی هم و البته در فواصل زمانی بسیار زیاد، وسایل بکار گرفته‌شده ساده، استفاده ازمحل‌های بکار گرفته‌شده طبیعی و به ویژه حک این نگاره‌ها در جایگاه‌های پراهمیت برای شکار و آبگاه و آبشخورها وگذرگاه‌های شکار همگی نشان میدهد که تصویرگر قصد به رخ کشیدن مهارت نگارگری و البته مجال فراوان برای این کار نداشته و نقوش غالباً هنگام احساس ضرورت و یا در مواقع خاص بوسیله شکارگران و در مدت کوتاهی خلق شده است.

برای شناسایی به وجود آورندگان سنگ‌نگاره‌های این استان می توان به وجود نقوش متنوع از جمله صحنه شکار و همچنین وجود تصاویر متعدد بز کوهی که به عنوان اهداف اصلی شکار می‌باشند اشاره نمود.

ذکر این نکته ضروری است که این منطقه در دوره‌های بعد و خصوصاً در دوران اسلامی یکی از توقف‌گاه‌های موقت کاروانیان و مسافران مسیر کرمان و جنوب ایران بوده که به سمت شرق و شمال خراسان رهسپار بوده‌اند و در این دوره نیز نقوشی توسط کاروانیان بر روی این سنگ‌نگاره‌ها ترسیم شده است. وجود نقش-های اولیه و اجرای آنها بر روی یکدیگر و نیز وجود کتیبه‌های متاخر حاکی از آن است که تصویرسازی بر روی این سنگ با ارزش از گذشته‌های دور تا سالها بعد استمرار داشته است و هریک زبان حال سازندگان آن است که بیان توصیف زیبای دکتر فرهادی در رابطه خالی از لطف نیست: «به درستی سنگ‌نگاره‌ها بیش از ابزارهای سنگی و استخوانی، گذشته آدمیان را برای ما بازگو می‌کنند. این عکس‌های ماقبل تاریخی، آدمیان را با ابزارهایش، هیأت و شمایل و ژست‌هایش، شکارها و و شکارگاهایش یکجا نمایش می‌دهند». (همان: ۱۵۳).

۲. تنوع و موضوع نگاره‌ها

گونه‌شناسی نقوش پژوهش مورد مطالعه عبارتند از:

به‌طور کلی نقش‌مایه‌ها مشتمل بر نقوش حیوانی، انسانی، نمادین، ابزارآلات، کتیبه، اجرام، گیاهی و تعدادی نقوش به‌صورت نامعلوم می‌باشند.

مضمون و شرح عمومی نقوش

نقوش هم به‌صورت تک‌نگاره، مجموعه‌ای، تک‌مجموعه نقر شده است؛ و شامل موضوعاتی مثل: صحنه شکار، چراگاه، قربانی کردن، مسابقه، نبرد حیوانات، زایش، در حال تیراندازی، اجرای رقص یا مراسمی نظیر آن مشهود است.

نقش‌مایه‌های حیوانی: نگاره‌های حیوانی استان خراسان جنوبی بسیار متنوع هستند و نقوشی را مثل: بز، اسب، شتر، حیوان علفخوار (قوچ)، الاغ، گاو، حیوان گوشتخوار، مار، جوجه تیغی، پلنگ، شیر، خرگوش، گرگ، روباه، پرنده، حیوانات چهارپا، گاو کوهان‌دار، فیل، حیوانات اسطوره ای را شامل می‌شوند. نقش بزکوهی بیشترین نقش را در این مجموعه عظیم به خود اختصاص داده است و بعد از او اسب درصد بالایی را نسبت به سایر حیوانات در رده دوم قرار می‌گیرد. نقوش حیونات دارای تنوع زیادی در ریخت‌شناسی هستند، اما نکته قابل توجه در این نقوش درصد بالایی در حدود ۹۸ به-صورت نیم‌رخ و تک‌خطی و بدور از هرگونه تزیین نقر شده‌اند.

نقوش انسانی

در نگاره‌های استان خراسان جنوبی حضور نقش انسان به‌صورت منفرد و تکی محدود است اما در ترکیب و تلفیق با دیگر حیوانات به‌صورت سوارکاری، شترسوار، در حال تیراندازی، در حال نبرد با نقوش حیوانی، در حال انجام مراسم آیینی مشاهده شده است. تفاوت این نقوش با نقوش حیوانی در جهت نقر بدین صورت است که نقوش مورد بحث بیشتر از روبرو نمایش داده شده‌اند ولی نقوش حیوانی به‌صورت نیم‌رخ نقر شده‌اند که خود جای بسی تامل دارد.

نقوش هندسی (نمادین)

یکی از مواردی که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در رابطه با تعیین قدمت نسبی آثار باستانی و ارتباطات فرهنگی با مناطق دیگر ایفا می‌کند علامت‌ها و نشانه‌هایی است که نماد و سمبل فرهنگ یا فلسفه‌ای خاص بوده و گسترهٔ فرهنگی جغرافیایی وسیعی را دربرمی‌گیرد. بنابراین با بررسی تطبیقی آن‌ها می‌توان تا حدود زیادی به زمان ایجاد نقوش، زمینه‌های فرهنگی و هنری مردمانی که آن‌ها را به وجود آورده‌اند و فلسفهٔ وجودی و ارتباط با سایر نقوش مجاور آن‌ها دست یافت. از جمله نقوش نمادین شاخص در نگاره‌های این استان نقش چلیپای شکسته است که محققین آن را گردونهٔ خورشید و نمادی از این عنصر سودرسان طبیعت تعبیر کرده‌اند (بختورتاش، ۱۳۵۶: ۲۷). از دیگر نشانه‌های به کار رفته در میان نگاره‌ها نقش نعل اسب است که به تعداد ۱۰۳ عدد است که بنابه گفته هال نمادی از خوشبختی است (هال، ۱۳۹۰: ۱۸۸). دو

نقش نمادین دیگر در گاهنگاری نسبی محوطه‌ها تا حدزیادی می‌تواند راهگشای ما باشد نقش بُته جُقه[۱] و نقش یین و یانگ[۲] است که در محوطه‌های کوه گردکوچک و چاه چشمه در میان انبوهی از نگاره‌ها حک شده اند.

تاریخگذاری نقوش

تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌ها به مراتب دشوارتر از تاریخ‌گذاری آثار باستانی است علت آن، نخست آن‌که این حکاکی‌ها در اغلب موارد سنتی هستند که از کهن‌ترین ایام هنرورزی آدمی تا روزگار ما ادامه یافته‌اند و مهم‌تر آن‌که متأسفانه هنوز راه‌های فنی دقیق و مستقیمی برای تعیین سن این آثار به‌دست نیامده است (حصارنوی، ۱۳۸۱: ۱۸۶). پیش از این اشاره شد که تاریخ‌گذاری نقش‌کنده‌ها فقط به‌صورت نسبی امکان‌پذیر است، لذا با توجه به نظر مک بورنی نقوش حک شده در استان خراسان جنوبی را نیز می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه سوارکار همراه با نقوش حیوانی (اسب)، و شکارچیانی که همراه با تیرو کمان نقر شده‌اند و نقوش حیواناتی که در عین خلاقیت هنری، بسیار استیلیزه است که از حدود (۴۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد قدمت دارند). این حضور از هزارۀ پنجم تاکنون استمرار داشته و امروزه نیز چوپانان در کوه و دشت به همان شیوۀ اجداد خود ناظر بر طبیعت‌اند. نقش کنده‌های استان خراسان جنوبی می‌توانند قابل مقایسه باشند با سنگ‌نگاره شاخص لاخ مزار بیرجند و سنگ‌نگاره جربُت و نقاط دیگر باشد.

برای تاریخ‌گذاری نسبی سنگ‌نگاره‌ها از راه‌های زیر می‌توان بهره برد: بررسی و تحقیق در نوع حیوانات (وحشی و اهلی با استفاده از تاریخ اهلی شدن حیوانات) نوع ابزارآلات (شکار و چوپانی نظیر تیر و کمان و تفنگ و نیزه) نوع پوشش و لباس نگاره‌های انسانی، سبک هنری آن‌ها، نحوه عمق حجاری، کهنگی و جدید بودن اثر نگاره‌ها بر روی صخره، کتیبه و نوشتار و غیره. در نهایت و با این تفاسیر و با توجه به بالا بودن کیفیت طراحی برخی از نقش‌های استان خراسان جنوبی، استفاده از ابزار پیشرفته در نقش‌ها و وجود برخی کتیبه‌ها؛ تاریخ‌گذاری برخی از نقوش مربوط به دوران اسلامی، تاریخی و پیش از تاریخ است. نکته شاخص در تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی حضور اسب و سوارکاران است که با توجه به اهلی‌سازی و استفاده از اسب که تاریخ رواج آن، فراتر از عصر آهن را دربرندارد (رامَنگان ۱، خزان، لاخ‌دُلدُل، آسو، کوه گرد کوچک، کالِ حسینا) و با توجه به حضور ابزارآلات (تیروکمان) (نخلستان و کالِ حسینا)، پوشش انسانی شبیه چهره‌های اشکانی (کالِ جنگال)، کتیبه‌های اشکانی و ساسانی (کالِ جنگال و کافرکوه) و دیگر کتیبه‌های اسلامی نقر شده در این استان، می‌توان گاهنگاری محوطه‌ها را به هر ۳ دوره تاریخی (پیش از تاریخ، تاریخی و دوره اسلامی) رساند.

حاصل سخن

کنده‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی یکی از جاودان‌ترین میراث و زیباترین یادگار برجای مانده از گذشتگان ما ملت ایران است که هنرمندان با استفاده از الگوهای ذهنی خود نقوشی را بر روی صخره‌ها نقر می‌کند. در هنر نمایی سنگ‌نگاره‌های این استان، نگارگر نقوش را به صورت ساده و بدون هیچ تزیین و پرکاری در جهت عمق، زیبایی و تناسب نقش‌مایه‌ها ایجاد کرده است. در سنگ‌نگاره‌های مورد مطالعه بیش از هر حیوانی نقش بز کوهی جلب توجه می‌کند. این نقوش نه تنها از نظر کمی بیشترین تعداد را با فاصله زیاد نسبت به سایر نقوش حیوانی به خود اختصاص داده، بلکه به دلیل اصولی که تقریباً در همه جا بادقت فراوان در نحوه نمایش آن رعایت شده، حایز اهمیت هستند. نوع اثر نقش‌های این مجموعه‌ی عظیم هم به صورت مجموعه‌ای و هم تک‌مجموعه و تک‌نگاره و تلفیقی نیز می‌باشد و روش ایجاد اثر کوبشی و نقش‌کنده (پتروگلیف) است. نقوشی بررسی شده را می‌توان به دسته‌هایی تقسیم کرد: شامل نقوش حیوانی، انسانی و نمادین، گیاهی، ابزار، اجرام، پوشش و نقوش انسانی و کتیبه. که بیشترین نقوش مربوط به حیوانات گوناگون است، که در میان نقوش حیوانی بیشترین نقش را بزکوهی به خود اختصاص داده است. تمام نقوش به‌صورت نیم‌رخ حک شده‌اند و نقوش در مجموع به شکلی مسبک اجرا شده‌اند. بزها در حالت نیم‌رخ نشان داده شده‌اند و شاخ آن‌ها دارای انحنایی است که معمولاً به نیم‌دایره نمی‌رسد. که افرادی که این نقوش را نقش کرده‌اند دارای ساختار معیشتی برحسب دامداری بوده‌اند و شرایط زندگی در محیطهای کوهستانی و مخصوصاً در مناطق مرتفع بوده است. و درمورد این

---

۱. سیروس پرهام نقش بُته جُقه را برگرفته از سرو مقدس می‌داند. شواهد تاریخی بسیاری در دست است که بُته در اصل سروی است که تارک آن بر اثر باد خم شده و حکایت از راستی و درستی و تواضع دارد (زارع‌پناه، ۱۳۸۸: ۹۳). نماد بُته جُقه به جز در بافته‌های سنتی ما، به عنوان اِلمانی از حضور ایران و ایرانی در طراحی‌های گرافیک نمود و قابلیت‌های بسیاری برای بیان این مفهوم یافته است (عطروش، ۱۳۸۶: ۱۳).

۲. این نقش بنا به گفته لباف خانیکی و بشاش رمز حیات نام گرفته است در فرهنگ چین باستان به سمبل فلسفه «یین و یانگ» شهرت داشته و نمود و حیات و آفرینش بوده است که این فلسفه از سال ۲۸۵۲ پیش از میلاد بنیان گرفته است. از نقوش شاخص در دوران پیش از تاریخ بوده است (لباف خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳: ۲۷-۲۸).

نقوش حیوانی شاید بتوان این فرضیه را مطرح کرد که پوشش جانوری منطقه هرچه متنوع‌تر باشد بدون شک بر نوع اقلیم، شرایط زندگی و بر تفکر و حتی عقاید مردمان و ساکنین منطقه که بدون شک تمام این موارد تأثیر زیادی را بر نحوه ترسیم و کندن نقوش نه تنها در ذهن مردمان امروزی، بر ذهن نیاکان و انسان‌های پیش از تاریخ نیز تأثیرگذار بوده است. مقایسه تطبیقی که با دیگرسنگ-نگاره‌های جُربت و لاخ مزار و دشت توس در شرق ایران نتایجی جالب حاصل شد که می‌توان نتیجه گرفت که حوزه فرهنگی شرق ایران به شدت تحت تاثیر یکدیگر قرار داشته و نمی توان این حوزه فرهنگی را بدون در نظر گرفتن مناطق همجوار خویش مورد بررسی قرار داد.

منابع

اسدی، علی (۱۳۸۶). *اشکفت آهو؛ پناهگاهی صخره‌ای در شهرستان بَستَک (هرمزگان)*. مجله باستان‌پژوهی، دوره جدید، سال دوم، (شماره ۳)، صص۶۵–۷۰.

آناتی، امانوئل (۱۳۷۷). *نوشتن بر دیوار*، مترجم: محمد اسکندری. مجله پیام یونسکو، سال بیست و نهم، (شماره ۳۳۵)، صص ۱۰–۱۶.

آناتی، امانوئل (۱۳۸۳). *هنر صخره‌ای*، مترجم: مهران هاشمی. کتاب ماه هنر، (شماره ۷۱ و ۷۲)، صص ۱۱۰–۱۱۹.

بختورتاش، نصرت‌الله (۱۳۵۶). *گردونه خورشید یا گردونه مهر*، نشر موسسه مطبوعاتی عطائی، تهران.

بختیاری‌شهری، محمود (۱۳۷۷). *گزارش ثبتی: سنگ‌نگاره لاخ‌مزار بیرجند، در فهرست آثار ملّی*، اداره کل میراث فرهنگی خراسان.

بختیاری‌شهری، محمود (۱۳۸۸). *بررسی و مطالعهٔ سنگ‌نگاره‌های نویافتهٔ دشت توس*. مطالعات باستان‌شناسی، (شماره ۱)، صص ۲۱– ۴۴.

بدناریک، رابرت جی (۱۳۷۷). *نخستین جنبش‌های آفرینش*، مترجم: علی مستشاری. مجله پیام یونسکو، سال بیست و نهم، (شماره ۳۳۵)، صص ۴-۹.

بورنی، مک (۱۳۴۸). *گزارش مقدماتی بررسی و حفاری در غارهای کوهدشت لرستان برای تعیین تاریخ نقش‌های پیش از تاریخی ناحیه لرستان*، مترجم: ذبیح‌الله رحمتیان. مجله باستان شناسی و هنر ایران، (شماره ۳)، صص ۱۴–۱۶.

بیک‌محمدی، خلیل‌الله؛ جانجان، محسن؛ بیک‌محمدی، نسرین (۱۳۹۱). *معرفی و تحلیل نقوش سنگ نگاره‌های نویافته مجموعه‌ی B ارگِس سفلی (ملایر– همدان)*. نامه‌ی باستان‌شناسی، دوره دوم، (شماره ۲)، صص ۱۲۱–۱۴۰.

بیگلری، فریدون؛ مرادی‌بیستونی، علیرضا؛ جمشیدی، فریدون (۱۳۸۶). *گزارش بررسی نقوش غار چشمه سهراب کرمانشاه. مجله باستان پژوهی*، دوره جدید، سال دوم، (شماره ۳)، صص۵۰– ۵۵.

حسینی، احمد (۱۳۹۰). *دانش بومی مردم خراسان جنوبی در پیش‌بینی وضعیت هوا و تحلیل‌های سینوپتیکی هوا*. فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، سال پنجم، (شماره ۴)، صص۱–۱۸.

حصارنوی، علیرضا (۱۳۸۱). *سنگ‌نگاره‌های دره گنج شهرستان تفت*. مجله اثر، (شماره ۳۵)، صص ۱۸۰ — ۱۸۶.

رشیدی‌نژاد، مسعود؛ دلفانی، میثم؛ مصطفی‌زاده، نرگس (۱۳۸۸). *معرفی سنگ‌نگاره‌های جربت، شهرستان جاجرم*. پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال اول، (شماره ۲)، صص ۱۶۶–۱۷۴.

رضایی، جمال؛ کیا، صادق (۱۳۳۰). *گزارش نوشته‌ها و پیکرهای کال جنگال*. انجمن ایرانویج.

رفیع‌فر، جلال‌الدین (۱۳۸۱). *پیدایش و تحول هنر*، نشر برگ زیتون، تهران.

رفیع‌فر، جلال‌الدین (۱۳۸۴). *سنگ‌نگاره‌های ارسباران*، نشر پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران.

زارع‌پناه، فهیمه؛ پورمند، حسنعلی (۱۳۸۸). *بازنمود باورداشت‌های مردم یزد در نقش نمادین سرو*. نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، سال ۲، (شماره ۴)، صص ۸۳–۹۷.

زعفرانلو، رقیه؛ سروش، محمدرضا (۱۳۹۲). *صوفیانه‌های خاموش (معرفی آثار تاریخی، فرهنگی مرتبط با تصوف در خراسان جنوبی)*. همایش ملی باستان شناسی ایران (دستاوردها، فرصت‌ها، آسیب‌ها) دانشگاه بیرجند، صص ۱- ۱۶.

سازمان جغرافیای نیروهای مسلح، مدیریت اطلاعات جغرافیایی (۱۳۸۸). *فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، استان خراسان جنوبی، شهرستان سربیشه*، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.

عطروش، طاهره (۱۳۸۶). *بُته جُقه؛ اصالت ایرانی در طراحی و گرافیک*. فصلنامه گرافیک و چاپ، (شماره ۱)، صص ۱۲–۱۳.

فرامکلین، گرگوار (۱۳۷۲). *باستان‌شناسی آسیای مرکزی*، مترجم: صادق ملک‌شهمیرزادی. موسسهٔ چاپ و انتشارات امور خارجه، بی‌جا.

فرجامی، محمد (۱۳۸۹). *قلعه کوه قاین*. فصلنامه فرهنگ خراسان جنوبی، سال پنجم، (شماره ۱ و ۲)، صص ۹۷– ۱۲۴.

فرهادی، مرتضی (۱۳۷۷). *موزه هایی در باد*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

قربانی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، « گزارش بررسی و مطالعه باستان شناسی و انسان شناسی نقوش صخره ای (سنگ نگاره های استان خراسان جنوبی)». آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صناع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی. منتشر نشده.

کریمی، فریبا (۱۳۸۶). *نگرشی نو به کنده‌نگاره‌های صخره‌ای ایران*. مجله باستان‌پژوهی، سال دوم، (شماره ۳)، صص ۲۰-۳۴.

لباف‌خانیکی، رجبعلی؛ بشاش، رسول (۱۳۶۶). *گزارش بررسی نقوش حجاری‌شده کمرنبشته تویسرکان*. مرکز اسناد میراث فرهنگی کشور.

لباف‌خانیکی، رجبعلی؛ بشاش، رسول (۱۳۷۳). *سنگ‌نگاره‌های لاخ‌مزار بیرجند*. سلسله مقالات پژوهشی، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.

ملاصالحی، حکمت‌اله؛ سعیدپور، محمد؛ مؤمنی، آتوسا؛ بهرام‌زاده، محمد (۱۳۸۶). *باستان‌شناسی صخره‌نگاره‌های جنوب کوهستان استان قزوین*. مجله باستان پژوهی، سال دوم، (شماره ۳)، صص ۳۵-۴۹.

ناصری فرد، محمد (۱۳۸۶). *موزه‌های سنگی یا هنرهای صخره‌ای*، نشر نوای دانش، تهران.

ه

هال، جیمز (۱۳۹۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، مترجم: رقیه بهزادی، نشر فرهنگ معاصر، تهران.

ویالو، دنی (۱۳۷۷). *تخیل پیش تاریخی*، مترجم: علی مستشاری. مجله پیام یونسکو، سال بیست و نهم، (شماره ۳۳۵)، صص ۱۷-۲۱.

Dessau, G. (1960). Rock Engravings (Graffiti) from Iranian Bäluchistan. East and West, V. 11, n. 1, 258-266.

Fazel, L., Sajjad, Alibaigi. (2012). Discovery of cave Art in the Province of Fars, Southern Iran. Rock Art Research, v. 29, n. 2, 187-190.

Morad, H., Sarhaddi Dadian, H., Soltani, m., Rahman, N., & Chang, B. (2013). Study and Typological Comparison of Petroglypgs in the Marzbanik Valley, Baluchestan, Iran. Time And Mind: The Journal of Archaeology, Consiousness And Culture. v 6, 331-350.

جدول ۱ . موقعیت جغرافیایی، نوع سنگ و وضعیت آسیب دیدگی سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی (مأخذ؛ نگارندگان، ۱۳۹۳

نام شهرستان	نام محوطه	موقعیت جغرافیایی	ارتفاع از سطح دریا	جنس سنگ	وضعیت کنونی نقوش
سربیشه	سنگ‌نگاره بیژانم	E۰۵۹° ۴۱´۸۲۱´ & N ۳۳°۴۸´ ۵۴۳´	۲۱۳۳ متر	آذرین متخلل با ذرات میکا	عوامل طبیعی (تورق سطح، درز و شکاف و فرسایش) عوامل انسانی (یادگار نویسی)
سربیشه	سنگ‌نگاره تنگل أستاد	E۰۵۹° ۲۱´۳۸۳´ & N۳۲° ۳۶´ ۷۷۳´	۱۸۴۳ متر	آذرین آتشفشانی (آندزیت)	عوامل طبیعی (زمین‌شناسی و فرسایش باعث شکستگی‌های متعدد) عوامل انسانی (یادگار نویسی و تخریب سطح)
سربیشه	سنگ‌نگاره دامدامه	E۰۶۰°۲۰´۰۲۸´ & N ۳۲°۱۹ ´۷۱۹´	۱۶۳۴متر	آذرین	عوامل طبیعی (فرسایش طبیعی به صورت ترک‌خوردگی و شکستگی در سطح سنگ)
سربیشه	سنگ‌نگاره ماخونیک	E۰۶۰°۲٤´۷۳٥´ & N ۳۲°۱۷´۱۹۹´	۱٥٦۲متر	آذرین	عوامل طبیعی (فرسایش طبیعی به صورت ترک‌خوردگی و شکستگی در سطح سنگ) عوامل انسانی (یادگار نویسی)
سربیشه	سنگ‌نگاره رامتکان ۱	E۰٥۹°۳٥´۲۸۳´ & N ۳۲°۱٥´۷٥۲´	۱۹٤۷متر	سنگ‌های رسوبی و دگرگونی	عوامل طبیعی (تورق سطوح، درز و شکاف وفرسایش طبیعی) عوامل انسانی (کنده‌کاری در سطح سنگ‌ها)
سربیشه	سنگ‌نگاره رامتکان ۲	E۰٥۹° ۳٥´۱٥٦´ & N ۳۲°۱٥´۲٦۳´	۱۹۸۸متر	سنگ‌های رسوبی و دگرگونی	عوامل طبیعی (تورق سطوح، درز و شکاف وفرسایش طبیعی)
بیرجند	سنگ‌نگاره خزان	E۰٥۹° ۱۷´۱۸۰´ & N ۳۳° ۲۲´٤۳۰´	۲۰٤۳ متر	سنگ‌هایی شبیه به آهن به رنگ قهوه‌ای روشن	عوامل طبیعی (فرسایش طبیعی به صورت ترک‌خوردگی و شکستگی در سطح سنگ و تورق) عوامل انسانی (یادگار نویسی)
بیرجند	سنگ‌نگاره لاخ ذُلدُل	E۰٥۹° ۳۲´٤۰۷´ & N ۳۳° ۲۱´۲۲۸´	۲۰٤۱ متر	آذرین	عوامل طبیعی (فرسایش طبیعی به صورت ترک‌خوردگی و شکستگی در سطح سنگ) عوامل انسانی (یادگار نویسی)
بیرجند	سنگ‌نگاره آسو	E۰٥۹° ۲٥´۸۲۳´ & N ۳۳°۱۲´۳۳۱´	۲۰۸۹ متر	آذرین	عوامل طبیعی (فرسایش طبیعی به صورت ترک‌خوردگی و شکستگی در سطح سنگ)
بیرجند	سنگ‌نگاره کافرکوه	E۰٥۹° ۲٦´۷٥٥´ & N ۳۳° ۲۰´۷۳۹´	۲۰٦٥ متر	آذرین	عوامل طبیعی (فرسایش طبیعی به‌صورت درز و شکاف، شکستگی و رویش گلسنگ) عوامل انسانی (یادگار نویسی)
درمیان	سنگ‌نگاره دره مسک	E۰٥۹° ٤۲´٦۳٦´ & N ۳۲° ٥۸´۰۸٤´	۲۰۰٤ متر	آذرین	عوامل طبیعی (فرسایش طبیعی به‌صورت درز و شکاف وشکستگی و تورق سطح) عوامل انسانی (یادگار نویسی)
درمیان	سنگ‌نگاره لاخ چمنزار	E۰٦۰ ° ۱٥´۲۱۲´ & N ۳۲ °٤۳´۲۰۷´	۱۲٦٤ متر	آذرین	عوامل طبیعی (فرسایش طبیعی به‌صورت درز و شکاف وشکستگی و تورق سطح)
درمیان	سنگ‌نگاره دره فورگ	E۰٥۹°٥٦´۱۲۲´ & N ۳۲° ٥۰´۳۸٤´	۱۸۰٤متر	آذرین	عوامل طبیعی (فرسایش طبیعی به‌صورت درز و شکاف وشکستگی و تورق سطح) عوامل انسانی (یادگار نویسی)
درمیان	سنگ‌نگاره جاده اسدآباد	E۰٦۰°۰۳´٦۰۷´ & N ۳۲°٥۳´٦۰۹´	۱٥۰۱متر	آذرین	عوامل طبیعی (فرسایش، تورق سطح، درز و شکاف)
خوسف	سنگ‌نگاره کوه گرد کوچک ۱ و۲ و۳	۱-E۰٥۹° ۰۰´٦۱۸´ & N ۳۲° ۱۲´٦۹٥´ ۲-E۰٥۹ ° ۰۰´٦٤۲´ & N ۳۲° ۱۲´۷٥۲´ ۳-E۰٥۹ ° ۰۰´٦٥٤´ & N ۳۲° ۱۲´۷٥۷´	۱۱۹٥متر-۱ ۱۱۹٥ متر-۲ ۱۲۸۲ متر-۳	آذرین	عوامل طبیعی (فرسایش طبیعی به‌صورت درز و شکاف، شکستگی و ورقه‌ورقه شدن سطح)
خوسف	سنگ‌نگاره هردنگ	E۰٥۹ °۱۳۰´۱٦۱´ & N ۳۲° ۲٥´۸۸٥´	۱٦۳۷متر	آذرین (رنگ قهوه‌ای و خاکستری)	عوامل طبیعی (فرسایش طبیعی به‌صورت درز و شکاف، شکستگی و تورق سطح)
خوسف	سنگ‌نگاره کال جنگال ۱و۲و۳و٤و٥و٦	۱=E۰٥۹ °۰۱´۸٦۱´ & N ۳۲° ٤٦´٤٥٥´ ۲-E۰٥۹ °۰۱´۸۸۰´ & N ۳۲° ٤٦´٤۲۱´ ۳-E۰٥۹°۰۱´۸۸۳´ & N ۳۲° ٤٦´۲۸۳´ ٤-E۰٥۹ °۰۱´۸٥۷´ & N ۳۲° ٤٦´۲۹۳´ ٥-E۰٥۹°۰۱´۸۰٥´ & N ۳۲°٤٦´٤٥۲´ ٦-E۰٥۹°۰۱.۷۷۹ & N ۳۲°٤٦ ´٤۲۹´	۱۹٤۲متر - ۱ ۱۸۸۲ متر - ۲ ۱۸۸۹ متر - ۳ ۱۸۹۸ متر - ٤ ۱۹٤۳ متر - ٥ ۱۹٤۱ متر - ٦	آذرین	عوامل طبیعی (فرسایش طبیعی به‌صورت درز و شکاف وشکستگی و تورق سطح) عوامل انسانی (یادگار نویسی)
نهبندان	سنگ‌نگاره نخلستان۱و ۲ و ۳	۱-E۰٥۹° ۲۳´۸٦٥´ & N ۳۱° ۲۳´٥۷۰´ ۲-E۰٥۹° ۲۳´٥٦۸´ & N ۳۱° ۲۳´ ۳۲۰´ ۳-E۰٥۹° ۲۳´٥۱۱´ & N ۳۱° ۲۳´۲۱۸´	۱۰۹۷متر-۱ ۱۰۸۲ متر-۲ ۱۰۷٥ متر-۳	آذرین	عوامل طبیعی (فرسایش طبیعی به‌صورت درز و شکاف وشکستگی و تورق سطح) عوامل انسانی (یادگار نویسی)
نهبندان	سنگ‌نگاره کال خُسیتا ۱ و-و۲و۳	۱-E۰٥۹° ٤۳´۷۱۹´ & N ۳۱° ٤۳´۹٥۰´ --E ۰٥۹°٤۳´۹٥٤´ & N ۳۱°٤۳´۹۱٤´ ۲-E ۰٥۹°٤۳´۹٦۸´ & N ۳۱°٤۳´۹۰٤´ ۳-E ۰٥۹°٤٤´۱٥۹´ & N ۳۱°٤۳´۸۹۳´	۱۸۳۲متر-۱ ۱۸۱۸متر-- ۱۸٥۷متر-۲ ۱۸۸۹متر-۳	آذرین	عوامل طبیعی (فرسایش طبیعی به‌صورت درز و شکاف، شکستگی و ورقه‌ورقه شدن سطح) عوامل انسانی (یادگار نویسی)
فردوس	سنگ‌نگاره چاه چشمه	E۰٥۷°٥۷´٦۸۸´ & N ۳۳°٥۹´۳٦۳´	۱۳۲٥متر	دگرگونی و رنگ سنگ‌ها قهوه‌ای	عوامل طبیعی (فرسایش طبیعی و در کناره‌ها درز و شکاف)

An Analysis of Motives in Rock-Carvings the Great Khorasan in the Southern of Khorasan

Hamid Reza Ghorbani[1]
Sara Sadeghi[2]
Hasan Hashemi[3]

Abstract

Prehistoric rock art forms the largest body of evidence available to us with regard to the artistic, cognitive, and cultural roots of humans. Fortunately, archeological studies on rock art is becoming more coherent in Iran and, thus far, they have led to the discovery of new facets of the prehistoric, historic, and Islamic cultures in Iran. Therefore, the study of rock art in the east of Iran can reveal valuable information pertaining to the formation, evolution, and application of rock art, from which the researchers of all three historical periods as well as specialists of history of art may benefit. In a broad-scale research project in 2013, rock carvings of South Khorasan province were examined and studied by a team from Birjand University headed by Hamid Reza Ghorbani. The present project will provided brief introductions and descriptions of rock carvings of South Khorasan province. This research is conducted using the descriptive-analytic method, and filed- and desk- studies are employed for gathering data. Findings of the research encompass 749 figures and carvings in the petroglyph style including depictions of humans, animals, plants, symbols, tools, and objects as well as inscriptions. The figures studied in this research pertain to all three historical periods: prehistoric, historic, and Islamic. Finally, some of the findings are comparable to existing samples from the same region –eastern Iran– such as rock carvings from *Jorbat* and *Dasht-e Toos* –north of Khorasan– and *Lakh-e Mazaar* –south of Khorasan.

KeyWords: Rock-Carving Art, Animal Motive, Southern Khorasan.

1. Assistant Prof., Dept. of Archaeology, Faculty of Art, University of Birjand (Corresponding Author) hr.qorbani@gmail.com
2. M. A. Graduate, Dept. of Archaeology, Faculty of Art, University of Birjand.
3. Assistant Prof., Dept. of Archaeology, Faculty of Art, University of Birjand